

روز اول ماه مه چگونه...

بقیه از صفحه ۱
بورژوازی و شعرا را می آید علیه نیروهای انقلابی طرح شده بود.

از سوی دیگر پورتونست های حزب نوده و جناح راست اکثریت نیز بخشی از کارگران را در میتینگها خودگردان کرده بودند. ترکیب غالب جمعیت شرکت کننده در این میتینگ ها نیز کارگران "خرده بورژوازی" بود. بویژه این ترکیب خرده بورژوازی در میتینگ جناح راست اکثریت کمفواداران خود را از سایر ایرانیان برای برگزاری میتینگ به تهران فراخوانده بود. محسوس و چشم گیر بود. شعرا را می آنها عمده "دردفاع از ضد انقلاب حاکم بود.

و با لایحه بخشنده دیگر کارگران را سازمان ما سازمان پیکار به راهیما شد عوت کرده بودند. در اینجا نیز ترکیب جمعیت خرده بورژوازی بود. علیرغم تلاشی که از سوی سازمان ما در جهت برگزاری مشترک مراسم راهیمائی از سوی سازمان ما از انقلابی صورت گرفته با این وجود برخی از این سازمانها و گروهها در راهیما شرکت نکردند. شعرا را می این دسته که راهیما می آنها زیر فشار روسکوب ها کمیت نتوانست صورت گیرد در یکی دو مورد به تظاهرات موضعیت تبدیل شد. شعارهای کارگران انقلابی شعرا را می علیه سازمان ما به داری و میریما لبسم، شعرا را می علیه اختناق و سرکوب بود.

در مجموع میتون گفت که شرکت طبقه کارگران را در مقابل ما سالهای ۵۸ و ۵۹ در مراسم این روز بنحو چشم گیری کارگش یافته بود. و این بیانگر دو جنبه واقعیت است. از یک سو توده های کارگر که در فاصله اول ماه مه ۵۸ و ۵۹ هنوز بنحو بازی بسته حاکمیت موجودا اعتقاد داشته، و هنوز تکلیف درونی هیئت کارگش بدین حد رسیده بود، بنحوی گسترده در مراسم که در این روز برگزار میشد و با "تحت هدایت و کنترل حاکمیت بود شرکت می کردند، اما به مرور با گذشت زمان کارگران اعتقاد مطلق خود را تا حد زیاد دیده قدرت سیاسی حاکم از دست دادند و از سوی دیگر با جدت تضادهای درونی هیئت حاکمه و جانبداری بخشهای یوسیمی کارگران از بنی صدر، مجموعا "باعث شد که کارگران در مراسم این روز راهیما می فرمایشی حزب جمهوری اسلامی شرکت نکنند. اما جنبه دیگر این مسئله که از ضعف تشکل و آگاهیه کارگران نیز ضعف و بیباکندگی سازمانها انقلابی م - ل ناشی می شود، تا شیر خود را بر عدم شرکت گسترده کارگران در مراسم این روز بجای گذارد. اگر مراسم اول ماه مه ۱۳۵۸ را که در آن سازمانها انقلابی م - ل و در محور آنها سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار داشت و بخش وسیعی از کارگران در راهیما می این روز شرکت کرده بودند، با مراسم سال گذشته و نیز سال مقابل مقایسه کنیم و پراکنندگیهای وسیع و نیز نتوانی سازمانها انقلابی را در جذب و هدایت کارگران بنحویت آوریم. آنگاه روشن خواهد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شد که چگونه این وضعیت بر روحیه کارگران و بی اعتمادی آنها نسبت به سازمانها م - ل و با نتیجه عدم شرکت گسترده آنها در مراسم این روز کارگش باشد. این دو جنبه واقعیت باعث شد که سال شرکت کارگران بنحو چشمگیری در مراسم این روز کاهش یابد.

اما مسئله دیگری که در رابطه با روز اول ماه مه باید مورد بررسی قرار گیرد، تا کتیکها می است که حاکمیت در این روز در مقابل نیروهای انقلابی و پورتونست ها میا زنگار را تحا ذکرند. حاکمیت در این روز از یک سو سیاست شلاق و از سوی دیگر عطفی ساخت و از سوی دیگر تلاش کرده که توده های هواداران پورتونست ها را در برابر نیروهای انقلابی قرار دهد.

حاکمیت از یک سو پورتونستها اجازه رسمی داد و برای آنها تبلیغ کرد تا با این اقدام خود آنها را هر چه بیشتر به دنباله روی از خود وادار کند و در همان حال توجیه و بهانه ای برای سرکوب علنی و آشکار نیروهای انقلابی پیدا کند. از همین روست که ما از روزهای قبیل از روز اول ماه مه شاهدیم همکاران پورتونستها بویژه جناح راست اکثریت با پاسداران، و با ندهای حزب اللهی وابسته به حزب جمهوری اسلامی در زمینه پاک کردن شعارها و نیروهای انقلابی در تهران بودیم. موارد متعددی از این همکاران را در فضا می گزارش کرده اند و حتی در برخی موارد در فضا می می جواداران اکثریت را در حین پاک کردن شعارها گرفته بودند.

در روز اول ماه مه رژیم جمهوری اسلامی کوشید که در عمل نشان دهد گمانی که به تعلق و تمجد و حمايت قرار می گیرند و گمانی که لطف و حمايت قرار می گیرند و گمانی که به ما لفت با او بر خیزند در سرکوب می شوند، از همین روست که از نخستین ساعات روز اول ماه مه محل تجمع سازمانها برای راهیما می اشغال نظر می کرد. از ساعت ۷ با مداد تعداد زیادی را پاسداران به همراه چند صد نفر جمعا قدار حزب اللهی نیز وارد شهر می آید در فاصله میدا جمهوری تا تقاطع نواب - آذربایجان مستقر شدند. چندین قبضه مسلسل بر روی ساختمانها ای طرف - نصب شد و چند ساعت بعد که مردم برای راهیما می بمحل تعیین شده آمدند، از همان آغاز حملات خود را از طریق باندهای حزب اللهی، پاسداران آغاز کردند. بنسای به آشکارا که در نحوه سازماندهی و شکل حرکت وجود داشت (ما طی مقاله جداگانه ای در شماره های آینده کار تقاطع ضعف و قوت این حرکت را بررسی خواهیم کرد) تظاهرات موضعیت نتوانست بنحو گسترده ای صورت بگیرد و تنها در دو مورد این حرکت صورت گرفت که یک نمونه آن در میدا و تقاطع نواب بود، که پاسداران به تیراندازی و گاز اشک آور - متوسل شدند. سازمانها بن منظور خنثی کردن تا کتیکهای حاکمیت در این روز مبارزت به بخش یک برنا مه را دیوشی بمدت یک ساعت و سه ربع نمود که برنا مه آرزویژه روز اول ماه مه بود. این تا کتیک که برای اولین بار در قبال تا کتیکهای سرکوبگران حاکمیت اتخاذ شد. در همان حال درسی است برای حاکمیت که چنانچه بخواد هدشوه ها ی تبلیغ و سازماندهی

نیروهای انقلابی را محدود کند، ماهه شیوه های دیگر از جمله بخش برنا مه ها را دیوشی دست خواهد هم زد. در این روز تعدادی از هواداران دستگیر و زخمی شدند. جنبه دیگر تا کتیکهای حاکمیت در مقابل پورتونستها، و همصدائی آنها با حاکمیت بود. پس از آنکه جناح راست اکثریت میتینگ خود را در میدان آزادی برگزار کرد، گروههای حزب اللهی حملات خود را آغاز کردند، اما پاسداران بظا هر حافظ نظم بودند. مدتی بعد همان مسئله ای که در رابطه با راهیما می هواداران پیکار در اول اردیبهشت پیش آمده بود، اتفاق افتاد و از سوی فالانتهای حزب اللهی یک تاسه نارنجک بدون جمعیت پرتاب شد و پس از آن حملات گسترده فالانتهای بمباردم آغاز گردید. طی این اقدام تروریستی چند نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. رژیم کسه خود بند و روشی در این حرکت دست داشت بیشتر ما نه کوشید که این اقدام تروریستی را به سازمانها انقلابی نسبت دهد رژیم کوشید که با شکل خاص طرح مسئله سازمان ما، مجاهدین خلق و پیکار را عامل این حادثه معرفی کند، اما غافل از اینکه هموطنان ما رژیم را نقد آگاهی بدست آورده اند که دیگران را جیف رژیم را در این باره باور نکنند. همه بخوبی پی بردند که خود حاکمیت مسلما در این حرکت دست داشته است. اما رهبران خیا ننگسار اکثریت که عا ملین و خدمتگزاران رژیم ضد انقلابی حاکم محسوب می شوند بمنظور تیرنه حاکمیت و حفظ ظاهر قضیه این اقدام تروریستی را به ما وا کیهما و رنجریها نسبت دادند. این درست همان شیوه ایست که تا کنون این خیا ننگاران به انقلاب برای تیرنه ضد انقلاب حاکم برگزیده اند. آنها نمی گویند که با ندهای سپاه تروریستی که در میان آنها سا و اکیها نیز وجود دارند، وابسته به حزب جمهوری اسلامی یعنی حزب حاکم اند، آنها نمی گویند که این باندهای تروریستی توسط سپاه پاسداران و کمیته ها آموزش و تعلیم می بینند. آنها نمی گویند که سرمایه داران، تجار و رثومندی زار و حزب نماینده آنها یعنی حزب جمهوری اسلامی منبع تغذیه مالی این باندها است آنها بدین طریق یکبار ردیکوربر جنایات رژیم مهرتا شدیم میزند، و با زهم خیانت خود را بخلق آشکارتر می کنند آنها دقیققا بصورت ابزار ایلا راده ای در دست حاکمیت درآمده اند که کاری جز اجرایی سیاستها و تا کتیکهای حاکمیت برعهده ندادند و ایسان خود را مدافع طبقه کارگر و توده ها جا میزند. اما علیرغم تمام این سرکوبها، دسائش و خیانتها، مبارزات طبقه کارگران ما خواهیما رفت و شما می سرمایه داران را بیکور خواهیما سیرد.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اعتصاب کارگران پارس الکتریک برای دریافت سود ویژه

مبارزات کارگران پارس الکتریک برای دریافت سود ویژه هر دم و چنانچه از ی میاید. در هفته گذشته کارگران بخش نجاری (کارخانه تهران) بمدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند. کارگران با این حرکت به مدیریت کارخانه اخطار کردند که اگر به خواست آنها پاسخ مثبت ندهد مبارزه را گسترده تر خواهد نمود. روز چهارشنبه ۲/۹ کارگران بخش نجاری طبق قرار قبلی با مدیریت کارخانه تماس میگیرند و خواهان دریافت ۲۰٪ سود ویژه میگردند. بعد از تماس با مدیریت کارگران با خبر می شوند که انصاری رئیس هیئت مدیره کارخانه برای مسافرت به خارج کشور به فرودگاه رفته است. عده ای از کارگران به فرودگاه مراجعه میکنند. آنها اعلام می کنند که انصاری پول سود ویژه کارگران قصد خروج غیر قانونی از کشور را دارد. کارگران انصاری را از هوا پیمایا میزدند. سپس از طریق فرودگاه با وزارت کار تماس میگیرند و خواهان روشن شدن وضع انصاری میشوند. وزارت کار مدعی می شود که انصاری برای تهیه مواد اولیه به خارج کشور می رود. پس از آن با حکم رسمی وزارت کار انصاری را به همراهی خارج می شود.



آری کارگران انقلابی پارس الکتریک بعد از دو سال حکومت جمهوری اسلامی به ما هیت وعده وعیدهای این رژیم پی برده اند. آنها دیده اند که این رژیم سرمایه داران بزرگ فرمت داد تا تمام سرمایه داران را به پول تبدیل کنند و بخارج بفرستند. آنها دیده اند که از حاصل رنج و زحمات کارگران نیز زحمتکشانی میلیونها تومان برای نجات با نکها یورشگشته بردا خته شد. آنها دیده اند در شرایبیطی که کارگران و

زحمتکشان در چنگال فقر و گرسنگی، در بدی زندگی می کنند رژیم جمهوری اسلامی میلیونها تومان برای خرید سلاح به جیب سرما به داران و امپریالیستهای آمریکا، انگلیس و فرانسه و غیره میزد. آنها دیده اند در شرایبیطی که کارگران و زحمتکشان از یک سرپناه محرومند و چهار دیواری تنگ و تاریکی که ما دستا پینه بسته زحمتکشان در خاک سفید، گرم دره و غیره ساخته می شود بدست با سداران سرما به وسایرا رگانها ی دخله ی زیرو رو می شود. رژیم جمهوری اسلامی در یک معامله ۵۶ میلیون دلار بول عراق چنین این توده ها ی زحمتکش را به جیب دلان بین - المطلق میزد. آری آنها در عمل دریافت اند که رژیم جمهوری اسلامی شایسته هیچ اعتمادی نیست.

کارگران مبارز پارس الکتریک پس از بازگشت از فرودگاه متحدا "دست به اعتصاب میزنند کارگران کارخانه کسرج با نصب اعلامیه پشتیبانی خود را از کارگران کارخانه تهران اعلام می دارند. کارگران در این مبارزات به نیروی اتحاد و همبستگی خود پی میبرند تجربه مبارزات کارگران در چند ماه گذشته نشان می دهد که بدون تشکل و اتحاد یکپارچه قادریم مبارزه ای پیروز مند نیستند. دلیل کارگران پارس الکتریک در کنار مبارزه برای دریافت سود ویژه مبارزه ای یکپارچه برای تشکیل شورای انقلابی به پیش میبرند. آنها در می یابند که تنها با تکیه بر نیروی سیکران خود و متمرکز کردن نیروی مبارزکننده حول یک شورای انقلابی قادر خواهند بود حقوق برحق خود را از چنگ سرمایه داران و دولت حامی آنها ندر آورند.

نامه یک رفیق کارگزار کارخانجات ایران فخر



رفیق کارگرمی از کارخانجات ریسنده و با فندگی فخر ایران واقع در ۳۲ کیلومتری کرج - هشگرد گزارش برای ما فرستاده است. در این گزارش رفیق کارگرمی شرايط کار روزندگی کارگران کارخانه اش را ترسیم کرده است. از آنجا که چنین شرايطی برای بخشی از طبقه کارگرمی و نیز بخشهایی از زحمتکشانی میهنمان عموماًست دارد، ما گزارش رفیق را با جزئی تغییر و تنظیم به اختصار می آوریم. گزارش رفیق را با هم میخوانیم: کارخانه ما بیش از ۲۷۰ نفر کارگرمی دارد که عموماً از روستاهای اطراف هشگردیا آبیگ آورده اند و در سه شیفت کار میکنند. ما از ابتدائترین مکانات و شرايط معمولی

پوشیده شده از بزرنخ و گرد و خاک و دیده و براده های آهن و چسبن و چوب خود را با آب سرد بشویند. در صورتیکه در همین کارخانه در خارج از ساختمان اصلی کارگاه، ساختمان سفید بزرگی با تجهیزات کامل (اعم از تهویه مطبوع، رستوران، حمام و...) وجود دارد که در اتاقهای بزرگ، سفید و مجلل آن مدیران، روسا و کارسندان کارخانه کار میکنند. ما کارگران نام این ساختمان را کاخ سفید گذاشته ایم!

بهداشت کارگران طبق قوانین کار "آریا مهری" که هم اکنون نیز اجرا میشود هر ماه مبلغ گزافی حق بیمه از حقوق کارگران کسر میشود ولی دفترچه های بیمه اجتماعی کارگران هیچ اعتباری ندارد و آنرا هیچ کجا قبول ندارند! کارگران مجبورند تنها هزینه های پزشکی بلکه هزینه داروها را نیز از دستمزدها چیز خود بپردازند. کارگران عموماً "و کارگران قسمتهای با فندگی و ریسندهی خصوصاً" بسیار زود فرسوده بقیه در صفحه ۴

کار محروم هستیم. ما لن غذا خوری نداریم. عده ای که هنوز در روستاها ساکن هستند غذای خود را از خانه می آورند و عده ای دیگر بصورت دسته جمعی غذای ساده ای می پزند و در لباس کتبی که هم آشپزخانه وهم استراحتگاه!! است غذا میخوریم. در بیشتر قسمتهای کارخانه از جمله با فندگی - ریسندهی - ریخته گری - تراشکای - آهنگری و... از حمام خیری نیست و کارگران پس از ساعتها کار شاق و کوشنده در هوای دم کرده و آلوده کارگاه مجبورند سراپای

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



بقیه از صفحه ۳۰

وبیمار میشوند و همگی همواره از دردیسته و گلوی می نالند و بهمراه سرفه های دردناک و خونین برزهای نخ از ریه های آنها خارج میشود. کارگران بسیار بیمار و بیمارستان بیمارستان شماره ۲ بیمه های اجتماعی بستری شوند ولی بیمارستانهای مجهز و گرانقیمت مانند پارس و مهر... به روسا و مسئولان عالی مقام !! کارخانه تعلق دارد. پزشکان بهداشتی کارخانه نیز درمان مهندسی و مدیران را به درمان کارگران ترجیح میدهند و در حقیقت، بهداشتی کارخانه که بهانه کارگران ایجاد شده است بهداشتی خصوصی مدیران است. کارگران بارها از این شرایط غیر انسانی و نابرابری حاکم بر کارخانه به شورا شکایت برده اند ولی شورا فرمایشی است و آلت دست مدیر عامل، و جز سردواندن و فریب کارگران هیچ کاری نکرده است. از کار افتادگی زودرس و مرگ و میر در میان مساکر کارگران فراوان است.

مسکن کارگران

کارگران این کارخانه به علت دوری راه و نداشتن مسکن عموماً در کوی کارخانه زندگی میکنند. در این کوی بیش از ۳۵۰۰ نفر زندگی میکنند. کوی یا بقول کارگران "لین" ها از دو بخش جداگانه که بخشی به کارگران متاهل و خانواده های آنان و بخش دیگری به کارگران مجرد تعلق دارد تشکیل شده است. لین ها از چند اتاق یا یک دستشویی و توالت عمومی تشکیل شده است. بهداشت مرطوب، نور، کثیف بدبو است. به علت رطوبت شدید، عموم ساکنین کوی به دردهای شدید مفاصل پا و کمر مبتلا هستند. کارگران مجرد در لین ها زندگی میکنند که دارای ۱۶ اتاق و یک دستشویی و توالت عمومی است و در هر اتاق سه الی ۴ نفر کارگر مجرد زندگی میکنند. در این کوی ها از حمام و آشپزخانه هیچ خبری نیست و از نظافت و بهداشت هم حرفی نمیتوان زد. بوی تعفن را سر ساختمانها پراکنده است. و شرایط اسفناک بهداشتی موجب بیماریهای خطرناکی در میان آنها شده است. شیشه های شکسته درب و پنجره اتاقها عموماً "بسا" مقوا و نایلون پوشیده شده است. کارگران متاهل در لین های جداگانه ای با همان کیفیت زندگی میکنند. بهر کارگر و خانواده ای که اتفاق داده، میشود که معمولاً بیش از سه نفر نمیتوانند در آن بخواهند و اگر خانواده ای مهمان داشته باشد تا جارا است او را در خانه همسایه بخواهد. هوای گرم و طاقت فرسای تابستان به همراه بوی تعفن شدید ناشی از توالتها آنچنان هوایی میسازد که تنفس در آن دشوار میشود و کارگران ناگزیر در جلوی پنجره

اتاق خود تا قکی جویی با پایه های بلند در امتداد پنجره درست میکنند تا بتوانند در خارج از اتاق بخوابند و مهمتر از همه اینها اینست که حسابداری کارخانه بابت مسکن هر ماه مبلغی از حقوق کارگران کسر میکنند! بدین ترتیب سرما به درازان زان و صفت این زاغه های نکبت بار را خانه نام میکنند! از راه اجاره آنرا در یافت میکنند!

عده ای از کارگران که نتوانند در کوی زندگی کنند مجبورند بخش مهمی از دستمزد خود را بابت اجاره خانه بپردازند و در هشتاد و یک درصد زندگی کنند. تعداد معدودی از کارگران سر در آرزوهای آنها و یا ساختمانهای دوا تا قه زندگی میکنند که البته برای زندگی در چنین محلی باید شرایط ویژه ای کسب کرده اند حداقل هشت سال سابقه کار. داشتن زن و فرزند! و درن فلانقدر امتیاز و غیره...

اگر کارگری بازنشسته شود و یا فوت کند، کارخانه او و یا بازماندگان او را از محل زندگیشان بیرون میکنند و مدعی است که کارخانه این محلها را بطور دائمی در اختیار کارگران میکند! اعتراضات شدید کارگران به علت عدم تشکیل اتحاد آنها تا کنون بدون نتیجه مانده است. تا یکسال پیش کارگران حتی حق مسکن نمی گرفتند ولی با تلاش و کوشش فراوان نماینده مبارز کارگران (که از شورا اخراج شده است) اکنون به کارگران مجرد در خارج از کوی ۲۰۰ تومان و به کارگران متاهل ۴۰۰ تومان پرداخت میشود.

وقتی از دور به کوی کارخانه ما نگاه کنید، شباهت زیادی به پادگانها یا زندانهای نظامی دارد. دور تا دور آنرا سیم خاردار و برجک نگهبانی پوشانده است و ورود کسی همگان آزاد نیست مگر آنکه کسی فامیل یا آشنائی در آنجا داشته باشد.

انتظامات کارخانه به عهده شخصی بنام سرگرد رحیم شمس است که مشتکی او با شرا برای خبرچینی و سرکوب استخدام و مسلح کرده است تا مواظب اعمال و رفتار ما باشد. نگهبانان نیز به ۳۰ مسلح هستند! بدین ترتیب سرما به درازان قصد دارند که از مباردهای محکومی بسا زندگه بی سروصدا راه بیانتهای

خانه تا کارخانه و بالعکس را هر روز طی کنیم، اعتراض نکیم و اجازه دهیم که آنها تا میتوانند ما را وحشیانه استعمار کرده و به زندگی انکل و روحیوانی خودبیشتر ادامه دهند. اما ما به مبارزه برخاستیم خواست، برای بدست آوردن خواستهای برحقمان بپا خاسته، شورای انقلابی کارخانه را برپا داشته و به مبارزه ای گسترده روی می آوریم. و در نهایت ما کارگران بی شک با تشکیل در حزب خود و با مبارزه ای انقلابی با تفاق سایر زحمتکشان نظام سرمایه داری را درهم کوبیده و انقلاب کارگری را با نجام میرسانیم

رفیق کارگران با گزارش خود، تصویری مستند و کوبنده از شرایط زندگی بخش بزرگی از کارگران و زحمتکشان میهنمان را ترسیم نموده است. اما در چنین شرایطی سرمایه داران همچنان و هر روز به استعمار روحیانه کارگران و غارت زحمتکشان ادامه میدهند. رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از منافع سرمایه داران با دستگا های رنگارنگ خویش از برداشتن هیچ قدمی در راه فریب سرکوب و پیمانال کردن حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان خودداری نمی کند. اما همچنانکه رفیقمان نیز متذکرند پیروزی طبقه کارگر بر طبقه سرمایه دار و همچنین نابودی تمام رژیمهای سرمایه داری و رها شدن بشریت از قید ستم، بردگی، و استعمار و رسیدن به سوسیالیسم ضرورت محض تاریخ است. اینصرا حرکت تاریخ، انقلابات کارگری گام برداشتن و رسیدن به سوسیالیسم در بسیاری کشورها به عینه نشان میدهد. ما، کمیزم، لنینیسم، سلاح طبقه کارگر در برهه پیشتر این امر را به بهترین وجه به اثبات رسانده است. چنانکه آموزگار ان کبیر پرولتاریا، استوارنکس و انگلس بیان میدارند: از آنجا که در شرایط زندگی پرولتاریا کلیه شرایط زندگی جامعه امروز در نقطه اوج غیر انسانی خود جمع آمده اند از آنجا که پیشتر در این شرایط خود را کم کرده و ولی در عین حال نه فقط به شناخت تئوریک این کم کردگی دست یافته، بلکه بوسیله استیصال - این بیان عملی ضرورت - این فرمانروای مطلق که نمیتوان نادیده گرفت یا تزئینش کرد، بلاواسطه به شوردن علیه این وضع غیر انسانی نیز مجبور میگردد، پس پرولتاریا میتواند و باید خود را آزاد سازد. ولی پرولتاریا قادر به آزاد کردن خود نیست بی آنکه شرایط زندگی خود را نفی کند و شرایط زندگی خود را نمیتواند نفی کند، بی آنکه شرایط زندگی غیر انسانی جامعه روزی را، که در وضع وی جمع آورده اند نفی نماید، پرولتاریا بیهوده آموزگاه شاق ولی فولادین کار را طی نمی نماید. (خانواده مقدس)



از اعلامیه‌ها، تراکتها و نشانات

کارگران پیشرو

کارگران پیشرو تولید را رود اعلامیه‌ای با نام "شورای انقلابی سرگرز حمتکشان علیه امپریالیسم، علیه سرما یسه‌دار" نوشته‌اند: "هما نظور که میدا نید روز شنبه ۲۲ فروردین دوستان کارگران در قسمت دارویی باوجود کارکنانی های مدیریت وانجمن اسلامی موفق شدندا انتخابات شورای برگزار کنند. آنها در طول مدتی که شورای قبلی بصورت معلق بود و عملاً هیچکاری برای شان انجام نمیدادیم لزوم تشکیل یک شورای انقلابی که نمایندگان آن آگاهانه بوسیله خودشان انتخاب شده باشند، بی برده بودند. آنها با انتخاب شورای جدید ثابت کردند که همواره در راه رسیدن به خواست ها ایشان مبارزه میکنند "سپس از کارگران بخشهای تکنو صنایع، کیوان و سیانا مید میخواهند که چون دوستان دارویی خود برای تشکیل شورای بکوشند و پس از بر آمدن خصوصیات یک نماینده واقعی می‌نویسند: "با انتخاب نمایندگان واقعی خود از خواستهای برجسته‌مان در مقابل سرما یه‌داران و دولت آنها دفاع کنیم."

"با مبارزه متحد و یکپارچه علیه مقابله با اخراج و دستگیری برجستیم عنوان تراکتی است که کارگران پیشرو ارج در قسمتی از آن نوشته‌اند: "در کارخانه ما انجمن اسلامی این ابزار قریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی به شیوه ساواک آریا مهری، با همدستی نمایندگان شورا و مدیریت دست یسه اخراج و تعقیب و دستگیری وزندانی کردن کارگران زده است." و در ادامه می‌فرزاید: "دوستان کارگران! همچنانکه کارگران بخش پیرس قاطعانه در مقابل طومار انجمن اسلامی جهت اخراج دوستان ما ایستادگی کردند و دست رد بر سینه انجمن اسلامی زدند ما نیز با حمایت بیگیرانه از کارگران پیرس و با مبارزه متحد و متشکل خود به مقابله با اخراج، دستگیری و زندان برجستیم. مبارزه متحد و متشکل ما کارگران ضامن پیروزی ما ست."

کارکنان هوادار سازمان در بخش شرکت نفت اعلامیه‌ای بمناسبت سومین سالروز سرکوب خونین ۱۸ فروردین ۵۸ منتشر نموده‌اند. در ابتدای این اعلامیه ضمن بزرگداشت خاطره رفیق شهیدان مرتوفیقین که با گلوله

"مجمع عمومی رایبه سنگرمبارزه علیه سرما یه‌داران تبدیل نمائیم"، عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو شهرک اکیاتان در آن می‌نویسند: "بعد از مدتی کشمکش بین شورا و مدیریت شورای شهرک اقدام به سرگزاری مجمع عمومی کرد." کارگران پیشرو پس از توضیح سگاندازی های مدیران رشکاری و اعمال ضدکاری برخی افراد شورا می‌گویند: "پس متحد و مصمم هرگونه کارکنانی را از جانب مدیریت و با هر گروه دیگر که در مقابل خود ایستاده‌های واقعی ما ایستاد فضاء نموده و مجمع عمومی رایبه یکی از سنگرمبارزه‌های مبارزاتی خویش تبدیل نمائیم."

کارگران پیشرو کارخانه را نتوانستند پارچین دو اعلامیه منتشر نموده‌اند: در اولین اعلامیه خود تحت عنوان "اعتماد کارگران پارچین جواب به تشویق ضد انقلاب" پس از توضیح اعتماد کارگران قسمت ابزار سازی طرح که در اعتراض به جاره گرفته افسران و مهندسان ضدکارگرمبارزه صورت گرفته و مورد حمایت کارگران طرح ۴ نیز قرار گرفته بود، به افشای رژیم جمهوری اسلامی و عمالش در کارخانه می‌پردازند و بعد از ذکر اعمال ضدکاری مدیریت و تلاش آنان برای استفاده از ضد اطلاعاتی ها و عنا صروایسته به رژیم سابق و بمنظور ایجاد سرکوب و اختناق، چنین ادامه میدهند: "اعتماد کارگران ابزار سازی قدرت اتحاد ما را نشان داد و تنها حمایت متحد و متشکل ما از این مبارزات است که رژیم رایبه عقب نشینی و ادا خواهد ساخت. برای اهتکار میبایست در شورا های واقعی خویش متشکل شده و به مبارزه برای تحقق خواستهایمان ادامه دهیم."

دومین اعلامیه کارگران پیشرو پارچین "با تشکیل شورای انقلابی، سنگرمبارزات خویش را مستحکم کنیم" می‌باشد. این کارگران در اعلامیه‌شان در رابطه با تجدید انتخابات شورا می‌نویسند: "تجربه ما در این مدت و بخصوص تجربه مبارزه اخیرمان بر علیه افزایش ساعت کار و تشویق ضد انقلابیون، به ما نشان داد که این شورا، شورائی واقعی نبوده است زیرا نمایندگان آن "بلا" یا لابی‌ها سازش کرده و همیشه در مقابل ما ایستاده‌اند. آنها از روبرو شدن با ما وحشت داشته و در این مدت از گذاشتن مجمع عمومی به شکل و به هر طریق طفره رفته‌اند... حتی برخی از افراد ضد کارگرمبارزه نظیر میر و کیل با کمک اداره حفاظت و کمیته کارخانه به تفتیش بدنی کارکنان، ضرب و شتم، اخراج و دستگیری کارگران مبارز و... دست زده‌اند." در ادامه می‌نویسند: "ا سرورده شوراها نقش تعیین کننده‌ای در تشکیل و پیشبرد مبارزات ما در جهت بر آورده شدن خواستهایمان دارند، شورای واقعی سنگرمبارزات کارگران و زحمتکشان در مبارزه علیه امپریالیسم و با نگاه دلتی آن یعنی سرما یه‌داران، دولت آنها و عوامل و ایادی‌شان، می‌باشند."

با سداران رژیم جمهوری اسلامی در مبارزات کارگران به شهادت رسید گفته‌اند: "در حالیکه فقط دو ماه از قیام خونین و مسلحانه ۲۲ بهمن میگذشته کارگران در ازای خواسته‌های برجسته خود از حاکمیت ضد انقلابی گلوله دریافت نمودند. کارگران فلور در طول ۲ سال گذشته جهت بدست آوردن خواسته‌های ما دلانه خودنا کتون با رها مورد هجوم مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. سپس خواهان دریافت کسری دستمزد تعیین شده از طریق تشکیل هیئت های تحقیق برای نظارت بردفا ترو حصابهای بانکی گشته و چنین ادا می‌دهند:

"اکنون در حالیکه کارگران خواهان تشکیل شورا های انقلابی خود هستند، نمایندگان استناداری با کمال بیشرمی میگویند در صورتی شورا های شما مورد قبول میباشند که تحت نظارت سپاه پاسداران تشکیل گردند. آری انسان میخواهند چند مزدوری را از زمین خود و انجمن های اسلامی بعنوان نمایندگان شورا انتخاب نموده و در کنار پاسداران سرکوب قرار دهند تا ابزار سرکوب خود را تکمیل نمایند." در ادامه می‌فرزاید: "در آستانه سومین سالروز سرکوب خونین ۱۸ فروردین (۵۸) و بزرگداشت شهادت کارگرمبارزه‌ها مرتوفیقین برای خنثی کردن توطئه و تجازات رژیم حامی برامای دارا نوعاً قبح بران فلاکت با کشور اهای انقلابی خود را تشکیل دهیم!"

روز دوشنبه ۱/۲۴ حدود ۳۰۰ نفر از کارگران "عمرکار" کارخانه چیت تهران (با فکر از اعتراض به پرداختن ۲۰ روز سود ویژه دست به اعتماد زدند. اعتماد باز ساعت ۲ تا ۶/۵ عصر بطول انجام مید.

کارگران پیشرو این کارخانه اعلامیه‌ای در رابطه با موضوع اعتماد تحت عنوان "روز سود ویژه پرداخت با یگردد" منتشر نموده‌اند. در این اعلامیه توضیح میدهند که قبل از عید بعثت با لاریون تولید قرار بوده ۲۰ روز سود ویژه پرداخت شود ولی بعد از عید مدیر اعلام می‌کنند که ضرر داخته اند و سود پرداخت نخواهد شد. و در ادامه می‌نویسند: "ما برای روشن کردن روض و افشای دروغ های مدیر اعلام تنها به آما ری که خودشان در نشریه خبری سازمان گسترش نوشته اند اشاره می‌کنیم" و پس از اشاره ارقا می‌که نشان میدهد تولید کارخانه ۶/۵ برابر شده میگویند: "در چنین شرایطی با هم سود ویژه ما که بخشی از دستمزد ما است به بهانه های مختلف پرداخت نمی شود... در این میان عنا صر سازشکاری کارگرمبارزه‌ها میروند و بدین ترتیب خود را از کارگران جدا ساخته، در کنار کارفرمایان قرار میگیرند." در پایان اعلامیه کارگران پیشرو می‌فرزاید: "بکوشیم با طرد عنا صر سازشکار شورا و تشکیل شورا یی واقعی از حقوق خود دفاع کنیم."

کارکنان هوادار سازمان در بخش شرکت نفت اعلامیه‌ای بمناسبت سومین سالروز سرکوب خونین ۱۸ فروردین ۵۸ منتشر نموده‌اند. در ابتدای این اعلامیه ضمن بزرگداشت خاطره رفیق شهیدان مرتوفیقین که با گلوله

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها بر چیده شود



گزارشی از تشکیل شورای فرمایشی در

روستای سلوش از توابع لنگرود

در شب یکشنبه ۱۵/۱/۶۰ بخدا شکوه
به همراه چندتن دیگر به منظور تشکیل شورای
ده به سلوش آمدند.

مردم ده در مسجد منبر جمع شده بودند. پس
از سخنان خدا در رابطه با تکلیف "شورا"
یکی از اعضاء شورای فلی روستا گفت:
ما قیلاهم شورا دادیم و با اطلاع جهاد
و سایر ارکانهای دولتی و با همکاری مردم
شروع به احداث حاده سلوش به کولمه
(یکی از روستاهای اطراف) نمودیم
ولی بحال طریقت چهار زمیندار منگله
(که هر کدام بیشتر از ۲۰ هکتار زمین
دارند) که صیرحاده اربع آنان عبور
می کرد، تحت نفیست فرار گرفته و سوا
وجود مراعات مکرر به فرمایشی، حیات،
داگاه انقلاب وحشی خود (خطاب به
بخندار) هتکوه حمایتی از ما معضیل
نیامد. بخندار بدون توجه به حرفهای
نماینده شورا گفت: "به حال ما آمده ایم
که انجمن را تشکیل دهیم. ما می‌خواهیم
کسی را انتخاب کنیم که دلش برای انقلاب
ببورد و مسلمان و معهدی باشد.

در این هنگام یکی از روستائیان
گفت: "در زمان شاه نیکار دادگان منگله
آمده بودند که انجمن ده را تشکیل بدهند
و می گفت نماینده انجمن با آدم معقول
و بی آزاری باشد. ما هم به او گفتیم اگر
شما آدم بی آزاری می‌خواهید ما کف‌سورا
سراخ داریم که بیرو مریض است و آزارش
هم به احدی نمی‌رسد، اگر می‌خواهید
می‌توانید او را انتخاب کنید" بخندار از
این حرف روستائی به خشم آمده اما یکی از
همراهان برای آدامه جریان ضمن معرفی
به نفرزاهالی ده گفت: "طبق ماده ۴۴
قانون انتخابات، انجمن ده باید
انتخابی باشد ما هم این به نفرزاهالی
می‌کنیم. کسانی که موافقت دست خود را بلند
کنند". یکی از اهالی در جواب وی گفت:
"اگر انتخابات است، خوب انتخابات کنید
دیگر چرا نظر ما را می‌پرسید و اگر مسئله
انتخابات است بگذارید مردم خودشان
نمایندگان را انتخاب کنند." در اینجا
بخندار که طافش تمام شده بود، گفت:
"من توسط انجمن اسلامی از جویای این
روستا با خبر هستم. ما در مقابل کسانی که
از شرق و غرب صحبت می‌کنند خواهیم ایستاد
سپس از همه کتاب و روزان خواست که سوا
انجمن مذکور و جهاد سازندگی همکاری کنند
ولی کتا و روزان می‌گویند ما به هیچ وجه
با انجمن فرمایشی و همچنین جهاد سازندگی
که بکمال است جز خوردن و خوابیدن کنار
دیگری برای ما انجام نداده، همکاری
نخواهیم کرد.

مصادره انقلابی زمین توسط دهقانان "هاشم آباد صیمره"

حس دهقانی ایران در اتحاد
سازرات طیفه کارگر هر روز اوجی تازه
بخود می‌کشد. در این راستا، مبارزه
انقلابی دهقانان صیمره (در جنوب لیسان)
که با رنج صابران جدید سال
عسده میراثی (خاندان فتودالی) دارند،
کواد کوبائی است بر این امر.
در بارش ۱۰ دهم فروردین روستائیان
تربده هاشم آباد در منطقه صیمره، اقدام
به مصادره و تقسیم ۸ هکتار زمین از ۹۰ -
هکتار زمین فتودالی را نام غلامرضا هاشمی
می‌کنند. این حرکت ابتدا توسط
۶ فرحوشین شروع شده و هاشم
سیاسی و همسنگی سایر دهقانان مواج
می‌شود. فتودال مریور سعی می‌کنند
واسطه فرار دادن زمین سفیدان فرسه،
زمین‌ها را پس بگیرد. یکی از دهقانان
در جواب ریش سفید می‌گوید: "ما نسا
کرفس تمام ۹۰ هکتار زمین این فتودال
ظالم اربائی نمی‌نسیم". این حرف
با حمایت سایر دهقانان روستا شده
ورس سفیدان کاری از پیش نمی‌برند
در حال حاضر دهقانان این ناحیه به کثرت
روی زمینهای مصادره شده برداخته و
می‌کوبند اما نایب جان و به هر قیمت و به
هر شکل از حقوق خود در برابر "فرسها"
مفتخورد دفاع می‌کنیم.

غارت تعاونی بازکیا گوراب توسط پاسداران

در شب یکشنبه شانزدهم فروردین
شرکت تعاونی "مهدی رضائی" واقع
در بازکیا گوراب لاهیجان مورد حمله
سیاه پاسداران قرار گرفت، این حمله
با مقاومت و اتحاد مردم که یکصد تن
مرگ بر آمریکا" ارتکاب می‌کردند،
روبرو شد. تشدید حملات وحشیانه سیاه
باعث گشته شدن دست و پوی یک زن
کارگر و مجروح شدن عده‌ای دیگر شد. در
این هنگام مردم به دادن شعار "مرگ
بر پاسداران" پرداخته و با سنگ تازان -
کردن ماشین سیاه، موفق به بیرون
راندن آنها از منطقه شدند. فردای آن
روز سیاه مجدداً برای جبران شکست
روز قبل به بهانه درگیری یک فالانژ
با عناصرترفی محل وارد صحنه شده و
شروع به غارت شرکت تعاونی کرده و
چند نفر هم دستگیر می‌کنند. اهالی محل
که از مشاهده این همه اعمال ارنجانی
به خشم آمده بودند با دستگیری رئیس
کمیته منطقه و دو تن از عناصر و استه
به آن، سیاه را وادار به آزادی
زندانیان می‌کنند. این واقعه باعث
شده که خشم و بغرت از حرکت سرکوب
گرفته حاکمیت در میان مردم -
بازکیا گوراب و روستاهای اطراف آن
اوجی تازه بخود بگیرد.

یانمیدانی که هزار چند تا است ویا...

وزیر راه و سربازی طی نطقی در
راهدان اعلام کرد که با سر تا ماه‌های گنه
در دست احواست، ظرف ۶ ماه تا یک سال
آسند سگاری در کشور از پیش خواهد رفت
و با کمبود نیروی انسانی روبرو خواهیم
شد.
ما با اختیار با دین حکایت افادیم
که یکی از امرا فرمان تا مردی را با خاطر
با فرمانی هزار مرده تا زیاده بزنند.
مردی بخاره گفت که: ای امیر با نمیدانی
هزار رسمی چه ویا تا کتون تا زیاده بخورد ای.
ساده وزیر راه و سربازی گفت: ای
وریر، با نمیدانی تا یک سال حذر را هست
و با نمیدانی ۲ میلیون سکا روسکاری -
یعنی چهار
اما دیسار چه دندی، در حکومت اسلامی
معجزات و کرامات کم رخ نمی‌دهد اما
همان طور که ظرف دو سال حکومت اسلامی
تعداد دستاران را از ۳۰۰۰ - ۴۰۰۰ هزار نفر به
۲ میلیون نفر رساند، به همان آسانی
می‌تواند رقم ۲ میلیون را به صفر برساند.

زندگی زحمتکشان اطراف سفیدرود در معرض خطر طغیان آب

طغیان ناحیه‌های مختلف رودخانه
سفیدرود در فصل بهار، همواره یکی از
مهمترین مشکلات روستاهای اطراف این
رودخانه بوده است. بطور خاص روستای
"پائس محله" غازیان که با روستاهای
اطراف خود یعنی "تالامحه" و "لات محله"
دارای ۸۰۰ خانوار است، در حدوده سال
است که در معرض این خطر قرار دارند.
طغیان رودخانه هر ساله تعدادی از
خانه‌های آن را خراب کرده و بخشی از
مزارع سرخ آن را که با مشقت و رنج
فراوان گشته شده، از بین می‌برد. کلیه
تلاشهای روستائیان این منطقه که اکثر
خوش شین هستند، برای کمک گرفتن از
مقامات مسئول بی نتیجه مانده است
سال گذشته روستائیان بعد از طغیان
رودخانه، نامه‌ای به اسنادار نوشته و
تقاضای کمک کردید ولی حاکمیت نه تنها
پاسخی به آن نداد بلکه چند روز بعد
در رابطه با اعتراضی که این زحمتکشان
برای دستگیری یکی از جوانان روستا، در
جریان حمله به دستگاه کیلان کرده بودند
آنان را سرکوب کرد.
امسال نیز روستائیان این منطقه
که هنوز هیچ تسهیلاتی از اقدامات خود
نگرفته‌اند، همچنان با اضطراب و نگرانی
سالان در آرزو دست بگریبانند. آنها
در زندگی سرخ و ملال خود، هر روز بیشتر
در می‌سند که تنها و تنها در پیوند نهاد
با یکدیگر و تشکیل شورا‌های واقعی می‌توانند
بر مشکلات خود سروزنوند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



سابقه تاریخی

خیانت‌های حزب توده (۴)

۱- "حزب توده" و

جمهوری اسلامی

خاستگاهی "حزب توده" در دوساله اخیر آنچنان روشن و گسترده است که بر شمردن تمامی آنها در این محمل نمی‌کنند. اما سنی خواهیم کرد به صورت یادگرنده نمونه نشان دهیم که "حزب توده" چگونه "خط اصلی" خود در دنیا در روزی از حاکمان قدرت را دنبال کرده و چگونه پشتک‌های بسیاری در این رابطه زده است.

حزب توده:

"ما میخواهیم دولت (بازرگان) ضعیف کردیم ما میخواهیم دولت دم دم در راه پیشبرد انقلاب تا سرانجام پیروز میدان نیرومندتر کردیم."

با انتخاب مهندس بازرگان بسمت نخست وزیری "حزب توده" این انتخاب را تریک گفت و اما دگی خود را برای همکاری "بی سروصدا" با "دولت موقت انقلاب" اعلام کرد. "حزب ما از همه اقدامات مترقی دولت موقت حمایت کرده و میکند ما معتقدیم که چنین اقداماتی در برخی از زمینه‌های مهم زندگی سیاسی کشور وجود داشته و دارد، ولذا تذکرات کنونی ما تنها در این چهار چوب قابل درک و بررسی است. ما اعلام می‌کنیم که آما ده ایم در کمیته‌های وابسته به شورای عالی طرح‌های انقلاب شرکت کنیم و هما نظور که آقای مهدی بازرگان خواسته است صمیمانه و خارج از زیر و سروصدا همکاری کنیم" (مردم - دوره جدید شماره ۲) "حزب توده" به این طریق آسنا نبوسی خود به ما حاکمان قدرت را تا حد همکاری صمیمانه و خارج از زیر و سروصدا "اعلام می‌کند و سپس مینویسد "ما نمیخواهیم دولت (بازرگان) ضعیف کردیم ما میخواهیم دولت دم دم در راه پیشبرد انقلاب تا سرانجام پیروز میدان آن نیرومندتر کردیم." (مردم شماره ۴۳) اما زمانی که دولت بازرگان از قدرت به پایا کشیده میشود بین جابلوسی‌ها و متلفات جای خود را به "خشم انقلابی" میدهد و "حزب فحاشی و افشاکاری خود نسبت به بازرگان را با یک پشتک ما هرا نه آغاز میکند (چالبا اینجا است که "حزب طرازیون" طبقه کارگر "همواره در دنبال مبارزات خلق لیکنان لیکنان راه می‌آید و افشاگری‌ها نیز از ما سنی آغاز می‌کند که خلق خود به ما هیت این عناصر پستی برده است" دولت موقت پس از زبانه‌های فراوانی که در انقلاب وارد آورد ساخط شد! مردم شماره ۱۲۱) و در شماره

۲۲۱ مردم مینویسد "ما پیروان خط برزیسکی را به هر لسانی که در آیند افشا خواهیم کرد" (اشاره به بازرگان) و در اینجا است که بازرگانی که "حزب" قصد همکاری "بی سروصدا" با او داشته تازه به ضد انقلاب بدل میشود "آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظامی از "خط" خودش دفاع کرده است" خطی که امیریا لیسیم آمریکا را دشمن نمیداند... خطی که از تعمیق انقلاب بسود مستضعفین بیم دارد... "خطی" که به مدت نزدیک به ۸ ماه با سماجت انقلاب ضد امیریا لیسیتی و خلقی ایران را ترمز کرد و به "خط" گام‌گام معروف است (مردم شماره ۱۲۶) اما حال اینجا است با وجودیکه بازرگان ساخط شده اما آیت‌الله خمینی یعنی با عت و با نسی تمام می‌این "زبانهای فراوان" هنوز بر ار بکه قدرت است و بهین خاطر "حزب توده" تمامی کاسه کوزه‌ها را بر سر انقلاب و خلق می‌شکند و مینویسد:

"وای که انقلاب ایران با گمردن شما (بازرگان) به نخست وزیری دولت موقت چه اشتباه بزرگی در برابر تاریخ مرتکب شده است" (مردم شماره ۳۰۰)
چنین پشتک‌هایی در مورد "حزب توده" موارد متعدد دارد. مثلاً "حزب توده" با انتخاب نزیه شروع به کف زدن میکند و مینویسد "خوشحاست دولت موقت انقلابی در میان بسیاری از انتما یات که به حق مورد انتظا راسته در مورد شرکت ملی نفت ایران در ایست نشان داده و یک شخصیت سرشناس ملی را به ریاست این شرکت منصوب کرده است" (مردم - شماره ۱) سفند ما سال ۱۳۵۷) این شخصیت سرشناس ملی نیز زمانی که از قدرت زیر کشیده میشود و توده‌ها به ما هیت ضد خلقی اش پی میبرند تازه مورد تکفیر حزب فرا میگیرند "تا رضایتی بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعیی از آقای نزیه که در روزهای اخیر به وجود رسیده و سرانجام تا تشکیل وزارت نفت و تعیین وزیر جدید نفت عملاً به برکناری وی منجر شد... ناشی از همین واقعیت است." (مردم شماره ۵۸-۱۴ مرداد ۱۳۵۸) و حتی حزب مینویسد "امروزه گویا دیگر از آما می‌آیایانی ما سنده مقدم مراغه ای و نزیه (که تا دیروز خود را نا موس انقلاب می‌شمردند) میتوان با ترسخن گفت "فقط در این میان "حزب توده" تمیکوبید چکسی تا دیروز نزیه‌ها را "نا موس انقلاب می‌شمرد و آنرا "شخصیت سرشناس ملی" معرفی میکرد.

در مورد دیگر حزب توده "تا آخرین لحظات قرار تیمسار خاثن مدنی، بیسه بریف و نمجیدوی مشغول است. زمانی که تیمسار آریا مهری مدنی در مباحثاتی مینویسد "ما هرگز به ما سنده ما مخلوع در

خوا با نندن شورش‌ها شی از قبیل شورش طغارد خاثلت نمی‌کنیم ولی اگر مردم استعمار زده‌ای از ما کمک بخواهند که ما لها زیر تا زبانه استعمار بوده‌اند مسلماً وظیفه خود میدانیم که در حدود مقررات به آنها کمک کنیم "حزب خاثن به توده مینویسد "با سخریحا "ضدامیریا لیسیتی ضدا استعمار ری (تیمسار مدنی) در همبستگی با جنبش آزادی بخش خلقها یی است که ما لها زیر تا زبانه استعمار بوده‌اند و از دریا سا لار مدنی جز این انتظار نمی‌رود" (مردم شماره ۱۲-۱۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۸) ببله

حزب توده:

"وای که انقلاب ایران با گمردن شما (بازرگان) به نخست وزیری دولت موقت چه اشتباه بزرگی در برابر تاریخ مرتکب شده است"

از دریا سا لار مدنی جز این انتظار نمی‌رود که بدروغ بخواهد ما سک حمایت از خلق بر چهره بزند و سیاستهای سرکوبگرانه اش را به پیش برد و در عین حال از "حزب توده" نیز جز این انتظار نمی‌رود که تا مدتی که او در قدرت است مجبزا ورا بگوید، هر چند که مدنی کسی بجز تیمسار آریا مهری، سرکوبگر و ما مل کشتار خلق عرب در خوزستان نباشد "حزب توده" نه تنها تیمسار مدنی را "ضدا مپریا لیسیت و ضدا استعمار" بلکه او را با عت و با نسی عمران و آبا دانسی خوزستان میبندد (به مردم شماره ۱۲، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۰۵ و ۱۰۰۰. مرا جعه کنید) و نه تنها از کاشکی ضدا انقلاب (حتما "خلق عرب و نیروهای مترقی) در کارهای مثبت و مفید تیمسار را اظهار رنگرانی میکنند بلکه حتی زمانی که این جلاد آریا مهری ارتش را "تدافعی و ملی" می‌نامد با خوشحالی از این مساله استقبال می‌کند و آنرا موردت شید قرار میدهد "وزیر دفاع تیمسار ردکترا جمدمدنی چندین بار سیاست خاثنانه و ضد ملی رژیم سابق را محکوم کرده و اطمینان داده است که ارتش ایران یک ارتش تدافعی و ملی خواهد بود... اقدامات دولت موقت در این سمت موردت شیدکا مل ما ست" (مردم شماره ۱)

"حزب توده" به این طریق به ارتش سرکوبگر خلقها، برکشتار خلقهای عرب و کرد و ترکمن و... صحه مینهد و تمسار اینها در شرایطی است که تیمسار آریا مهری مدنی در شماره انشریه کار در سفند ما ۵۷ افشاء شده است "حزب توده" بر طبق سیاستهای اصولی خود فقط زمانی که تیمسار مدنی نزد همه افشاگشت، فرا کرد و از قدرت بریز افشا ده با دافسای او می‌افتد و مینویسد بقیه در صفحه ۱۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی
دمکراتیک خلقهای ایران است

مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی ادامه همان سیاست گذشته است

طبق معمول در آخرین روزهای سال، وزارت بازرگانی سیاستهای جدید صادرات و واردات سال آینده خویش را اعلام داشت. اما آنچه که ما مسأله جلب توجه نمود، چاروحنجالی بود که کاظم بیروزیر بازرگانی حول مسئله تغییرات مهم در مقررات جدید و همچنین تهیه و چاپ کتاب مربوطه در رسانه های گروهی برای آنداخت و کارهای آگاهانه پیشینیان ایشان همه ساله بطور بسیار عادی انجام میدادند، چنان بزرگ جلوه داد که گویی چنین عملی برای نخستین بار انجام میگیرد. خودی در رابطه با "تهیه" این مقررات متکلم بود: "بلاشلاش شبانه روزی دست اندرکاران و مسئولان این وزارتخانه توانستیم با وجود مشکلات عدیده ای کتاب مقررات واردات و صادرات سال جاری را تهیه و به چاپ برسانیم و این فعالیت در نوع خود بی نظیر بود." (جمهوری اسلامی ۶۰/۱/۱۰)

و با وزیر بازرگانی در سخنان خود میگوید: "مقررات جدید صادرات و واردات با توجه به مسئله اشتغال، خودکفائی صنایع، محدودیتها آرزوی... تغییر الگوی مصرف کل جامعه کاهش تنوع کالاها و واردات و حذف غیر ضروریها... تهیه شده است." (اطلاعات ۶۰/۱/۱۱) عبارت دیگر وزارت بازرگانی مدعی است که امسال مقررات واردات و صادرات یکس سالهای گذشته در جهت اصلاح تغییر شیوه تولید و توزیع میباشد. ما برای روشن کردن این مطالب که در سیاستهای وزارت بازرگانی تغییرات چشمگیری حاصل نشده و حضرات فقط برای تحمیل زحمتکشانش به دروغ پراکنی پرداخته اند، به کتاب مقررات عمومی صادرات و واردات سال ۶۰ که آقای وزیر مدعی است بسا "تلاش شبانه روزی" او و دیگر مسئولان "تهیه و چاپ" شده، در نوع خود بی نظیر است و با توجه به مسائلی چون "خودکفائی صنایع"، "اشتغال" و... تهیه گردیده است، مراجعه میکنیم.

در صفحه اول این کتاب با کمال تعجب! میخوانیم که: "هیئت وزیران در جلسه ۵۹/۱۲/۲۸ بنا به پیشنهاد شماره ۲۸۰۴۸ مورخ ۵۹/۱۲/۲۷ وزارت بازرگانی بپوشید اختیارات حاصله از قانون انحصار تجارت خارجی مصوب تیرماه ۱۳۱۱ و اصلاحیه آن مصوب تیرماه ۱۳۲۰ و برای رعایت قانون تشویق صادرات و تولید مصوب اسفندماه ۱۳۲۲ و قانون واگذاری معاملات ارزی مصوب اسفندماه ۱۳۲۶ و قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ و قانون مورکمکی مصوب خردادماه ۱۳۵۰ و سایر توجیه

به سیاستهای اقتصادی کشور مقررات عمومی صادرات و واردات سال ۱۳۶۰ را شرح بیوست تمویب نمودند" این نقل قول چنان گویاست که ما را از توضیح تکمیلی در اطراف آن بی نیاز می دارد چرا که اگر قرار باشد مقررات سال جدید با هم "به موجب" قوانین مصوبه زمان رضا خان عمل کند و با رعایت "دست بختهای بیسر خلفش حرکت نماید همه تنها نمیتواند در جهت خودکفائی صنایع و... کوچک ترین قدمی بردارد بلکه باید کسب آن مقررات را همچون تمویب کسب کنندگانش به زباله دانی تاریخ انداخت.

کتاب را با زهم ورق میزنیم و به ماده ۱۶ گانه مقررات واردات و صادرات بر میخوریم که از بخت بد وزیر محترم درست همان ماده ۳ گانه سال پیش است به انضمام چند تفاوت جزئی از قبیل اینکه: از این پس ورود قالب های مستعمل برای صنایع داخلی نیز مجاز است (تکمیلی ماده ۵)، دولت در صورت کمبود کالا، خود اقدام به صادرات میکند! (تذکره ماده ۱) و با اینکه برای تجاریجای تاریخ ثبت سفارش، تاریخ ترخیص کالا مبنای کسب حقوق کمربکی و غیره میباشد (ماده ۱۶). مختصر اینک مقرراتی را که آقای وزیر ادعای تهیه آنرا طی یک تلاش شبانه روزی به خود و همکارانش نسبت میدهد، همانست که از گذشتگان به این وزارتخانه به ارث رسیده است و هرگز در نوع خود بی نظیر نبوده و نیست، چرا که هنوز اشتباهات چاپی سالهای گذشته را نیز پدید میکند.

اگر کتاب مقررات را با زهم ورق بزنیم به جدول ۲۲۵ صفحه ای ضمیمه بر میخوریم که بر طبق آن سود بازرگانی و غیره از کالاهای وارداتی کسب میگردند. در این ۲۲۵ صفحه نیز مطلب تقریباً بطور کامل فقط تجدید چاپ شده و سواى تغییرات معمولی جزئی و گاه بی معنا و خنده آور، هیچگونه تغییر قابل ذکر دیگری داده نشده است. اما جالب توجه است که این تغییرات جزئی و بدون برنامه که عمدتاً به قصد عوام مفریبی مطرح گشتند، بحدی در رسانه های گروهی بزرگ شدند که معاون وزیر که متوجه شوری بیش از حد آن شده بود در محامیه خود اعلام کرد "تغییرات داده شده در مقررات واردات و صادرات دلخواه نیست". بهر حال حضرات کوشیدند موضوع ممنوعیت چند کالا، لزوم کسب اجازه از وزارت بازرگانی برای ورود تعدادی دیگر و یا بالابردن میزان میزان سود بازرگانی، بیعی

همان کارهایی را که همه ساله در همه کشورها و از جمله در زمان شاه خائن انجام میگرفت، بعنوان "شق القمر" وزارت بازرگانی و با به تعبیر آقای وزیر "عملی که در نوع خود بی نظیر بوده" به زحمتکشانش قالب کنند.

دو محوری که رژیم حول آن به تبلیغات کوشش خراش پرداخت یکی موضوع ممنوعیت تعدادی از کالاهای دیگری تنزل سود بازرگانی تعدادی دیگر بود که تحت عنوان ایجاد تسهیلات برای تهیه مواد اولیه عنوان شد. که در زیر مختصراً به آن میپردازیم بعنوان مثال در حالیکه روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱/۱۵/۱ با تیتردرشت از معاون وزیر بازرگانی نقل میکند که: "از ورود کالاهای لوکی و غیر ضروری جلوگیری خواهد شد" و خواننده این شبهه را القاء میکند که گویا از این پس اجناس لوکس مورد مصرف شروتمندان وارد نمیشود، در قوانین امسال تنها از ممنوعیت "لباس و کفش یا له، مجلات هنری، کارت

بستال، آلات موسیقی، لوازم بدمینتون، میزبیلیارد و برای خالی نبودن عریضه از آبگرمکن نفتی و فریزر خانگی صحبت میروند. در رابطه با این ممنوعیتها بد نیست بدانید که: اولاً میزبیلیارد، کفش و لباس یا له و کارت بستالی، مجلات هنری و آلات موسیقی و لوازم بدمینتون از اجناسی است که پس از قیام بعثت مصرف نداشتن، خود بخود کشور وارد نمیشدند تا نیا اگر معیار برای ممنوعیت اجناس، لوکس بودن آنست مگر دوربین های فیلم برداری خانگی ضبط صوت های استریو و کوآدرافونیک، لوازم آرایشهای آنچنانی، لباسها، مجسمه ها، ظروف، لوازم اسکی روی آب و برف و... خارجی جز لوازم لوکس نیستند که ورودشان آزاد است؟ کالاهای آنجه که تاکنون بعنوان آبگرمکن خارجی وارد میشد، نه آبگرمکن های نفتی که آبگرمکن های گازی بودند که طبق مقررات جدید فقط نوع نفتی!! آن ممنوع شده است. و تا زمانه آخر پس از اینهمه در بوق و کرنا دمیدن مبنی بر ممنوعیت اجناس لوکس بیستم وزیر مکتبی نظرش چیست: "اگر برای بعضی از کالاهایی که ممنوع الورد شده اند، بازارسیاه بوجود آید، خود دولت ورود کالاهای را بعهده خواهد شد گرفت تا بازارسیاه را بشکند"

(اطلاعات ۶۰/۱/۱۱) چنانکه می بینید اینهمه داد و ستد ها فقط برای تحمیل زحمتکشانش بوده است و در صورتیکه قرار باشد هر یک از اجناس ممنوع الورد بقیه در صفحه ۱۴

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد



دردوشماره قبل راجعه "موقعیت انقلابی و" اعتلای انقلابی" پاسخ گفتیم. در این شماره به توضیح "دوران انقلابی" می پردازیم.

دوران انقلابی

یکی از مهمترین و بارزترین ویژگیهای مارکسیسم - لنینیسم که در سایر تئوری ها نمی توان از آن سراغ گرفت، بازشناسی خلقت و ابتکار انقلابی بوده ها و نیز نقش افراد، سازمانها و احزاب در جریان تحولات عینی اجتماعی است. سوسیالیسم علمی را مرتحلایل شرایط تکامل بشری و موقعیت های عینی اجتماعی، جایگاه بسیار بااهمیتی برای ارزیابی "دوران انقلابی" قائل است. چه در این دوران است که نقش طبقات اجتماعی در تعیین بخشیدن به اشکال متنوع زندگی اجتماعی به عریان ترین شکل و مستقیم ترین وجه آن نمودار میشود و نیز بنیادهای روبنای سیاسی حقوق نوین پایه میگردد. در این دوره تضادهائی که طی یک پروسه تکامل آرام و مسالمت آمیز انباشته شده اند، زمینه حاصل می یابند. از این رو در چنین دورانی بهتر از هر زمان دیگر میتوان به ماهیت طبقات مختلف و گرایشهای سیاسی ایدئولوژیک پی برد. لنین میگوید که در چنین دورانی مارکس "حیاتی ترین، مهم ترین، اساسی ترین و قطعی ترین لحظات تاریخ جوامع بشری را استخراج مینماید. در فعالیت مارکس و انگلس دوره شرکت آنها در مبارزه انقلابی بوده ها در سالهای ۴۹-۱۳۴۸ مثابه یک نقطه مرکزی بحساب می آید. آنها با حرکت از این دوران (دوران انقلابی)، مقدرات جنبش کارگری و دموکراسی کشورهای مختلف را تعیین مینمایند." (لنین علیه تحریم - مجموعه آثار - جلد ۱۲)

پس از این مقدمه، حال ببینیم "دوران انقلابی چیست؟ بطور کلی دوران انقلابی پروسه ای از حیثات یک جامعه را تشکیل میدهد که در آن، گذران عادی زندگی اجتماعی دستخوش تکانهای نیرومند شده و در زندگی معمولی طبقات اجتماعی تغییرات سریع و آشکاری رخ میدهد. دوره ای از کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب است که تا پیروزی قطعی یکی از این دو، بارها شاهد موضع تهاجمی یا تدافعی این یا آن یک میشویم. در این پروسه مبارزه بین طبقات انقلابی و ضد انقلابی شدت میگردد و پیروز تغییرات تحولات سریع و انفجارهای سیاسی

پاسخ به سئوالات

و اجتماعی حاد اجتناب ناپذیر میگردد. بهتر است این پروسه را در ابعاد مختلف زندگی یک جامعه مورد بررسی قرار دهیم:

۱- اقتصاد جامعه را یک بحران عمیق در خود فرو میبرد. این بحران سبب نابودی فزاینده نیروهای تولیدی و فقیر شدن چشمگیر توده های محروم میشود. در طول این پروسه های فروکش نکرده بلکه گسترش و تعمیق میابد.

۲- دولت خاکم که پایه های موجودیتش به مخاطره می افتد به سرکوب آشکار و اعمال نظامی خشن روی می آورد. این خود به نا رهایی دامن زده و زمینه طغیانهای اجتماعی و پیروزی بحران سیاسی را فراهم میکند. گاه در شرایط تهاجم انقلاب، حکومت با یک سلسله تضادهای حاد درونی مواجه شده و تمرکز دستگاهها بیش دستخوش تزلزل کم و بیش شدید میگردد. در این شرایط تحت فشار توده های ناگزیر به پیاده سازی اصلاحات تن میدهند که این امر در واقع خود نشانه مقدمه فرار شدن انقلاب است. در این دوران به موازات پیشروی انقلاب، ضد انقلاب به یک تدارک تدافعی وسیع دست میزند تا برای حمله بعدی آماده و مجهز باشد بقول مارکس یک ضد انقلاب بهم فشرده و محکم بوجود می آید.

۳- برخلاف دوران ضد انقلابی (آرام)، در این دوران، فشار شرایط عینی نه فقط مانع از نفوذ ایده های ضد انقلابی در بین توده ها شده بلکه توهمات آنها سرعت درهم شکنندگی توده ها هر زبانه میزان وسیعتری به سیاست روی می آورند مبارزات توده ها با هم اندام موج جریان می یابند. هم سر به تمام نقاط سرایت میکنند و هم پس از حرکت به درجه عالیتری ارتقاء می یابند. انقلاب هر روز وظایف نوین و عالیتری در برابرشان قرار میدهد، از این رو آگاهی توده ها و درجه سازماندهیشان بزرگت تکامل و شرکت مستقل آنها در زندگی سیاسی افزایش می یابد. این یکی از وجوه مشخصه دوران انقلابی است لنین در این زمینه میگوید: "آنچه که دورانهای انقلابی را از دورانهای به اصطلاح انکشاف صلح آمیز، دورانهایی که شرایط

اقتصادی باعث بحرانهای عمیق با جنبشهای قدرتمند توده ای میشوند. متمایزی نماید. دقیقاً این نکته است که اشکال مبارزه در دوران انقلابی به نهایت بسیار متنوع تر بوده و مبارزات مستقیم انقلابی توده ها بر فعالیت های تبلیغی و تهاجمی رهبران در پارلمان، مطبوعات و غیره مسلط است." (لنین - ارزیابی انقلاب روسیه - ترجمه فارسی).

مثلاً در دوران انقلابی ۷- ۱۹۰۵ مبارزات توده ها (تحت رهبری پرولتاریا) در عرض مدت یکسال به یکی از "قطعی ترین اشکال شناخته شده" تهاجم انقلابی در تاریخ (لنین - انقلاب و ضد انقلاب مجموعه آثار - جلد ۱۳) یعنی قیام مسلحانه ارتقاء میابد و از عنصر ذهنی سبقت میگیرد.

دردوران انقلابی امکان دارد که در پیاره ای از مواقع، مبارزات توده ها در اثر تهاجم ضد انقلاب به حالت تدافعی بیافتد و حتی شکست مقطعی بخورید، لکن این امر از کیفیت مبارزات آنها نمیگذرد بلکه میتواند حتی بصورت یک نقطه عطف در تکامل مبارزات آنها در طول همین دوران، درآید. در این مورد نمیتوان از شکست قیام دسامبر در سال ۱۹۰۵ نام برد.

۴- در دوران انقلابی یک تجزیه طبقاتی در بین مردم صورت میگیرد. بحران اجتماعی هر چه را که مخفی بود علنی میسازد. فشار شرایط عینی این تجزیه را هر چه بیشتر عریان میکند. بموازات گسترش بحران ملی، صف بندی طبقاتی اشکال متمایز و متکاملتری بخود میگیرد. این امر مستقیماً در وضعیت گروه بندی های حزبی و سیاسی بازتاب پیدا میکند. لنین در این مورد مینویسد: احزاب تمامی قوای خود را متمرکز میکنند و توده های مردم را مخاطب قرار میدهند و توده ها هم که غریبه صحیح راهنمای آنهاست و تجربه مبارزه آشکاران آنها را روشن کرده است، بدنیال احزابی میروند که منافع فلان یا بهمان طبقه را بیان نمایند. همیشه در دوره چنین بحرانهایی است که گروه بندی حزبی نیروهای اجتماعی برای سالهای زیاد و حتی برای دهها سال معین میشوند. مثلاً در آلمان نمونه چنین بحران جنگ های ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ و در روسیه - حوادث سال ۱۹۰۵ بود. (لنین - احزاب سیاسی در روسیه - منتخب آثار - چاپ فارسی).

دقیقاً در چنین دورانی است که زمینه مادی برای افشای ایده های رفرمیستی و جلوگیری از گسترش روحیات خرده بورژوازی در بین توده های کارگرو سازمانهای سیاسی پرولتاریا پیش از هر زمان دیگری به کمک نیروهای کمونیست میابد.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

سابقه تاریخی خیانت‌های "حزب توده"

بقیه از صفحه ۷

احمد مدنی.... با جاسوسان آمریکا رابطه داشته است (مردم شماره ۱۵۰) -
 (دقت کنید دیگر "تیمسار دکترا حمید مدنی" به احمد مدنی تبدیل شده) و حتی تا جایی پیش می‌رود که در شماره ۳۰۱ مردم (۳ مرداد ۵۹) با زرگان را بخاطر حمایت از مدنی مورد تمسخر قرار میدهد و میگوید "فهرستین با زرگان که برای بررسی اعمال مدنی به خوزستان دعوت شده بودند در آنجا به مردم گفتند من میگویم درود بر مدنی، درود بر مدنی... اما "حزب توده" که اکنون دست به افشای مدنی‌ها و زرگان زده است نمیگوید که در زمان قدرت‌ستداری این دو خودا و هواره فریاد می‌زدند "درود بر مدنی، درود بر زرگان".

"حزب توده" در دو سال اخیر از این دست پشتک‌ها بسیار زده است. و هیچ‌یک از سران دولت را از تعریف و تمجید خود بی بهره ننشاده است. در شماره ۱۵ مردم نطق دکتریزدی وزیر امور خارجه را "اقدامی ضروری برای تسبیح نیروهای راستین انقلاب" مینامد و این در زمانی است که مردم "لجه" آمریکا می‌پزدی را مورد تمسخر قرار میدهند. "حزب" تا جایی پیش می‌رود که سران خائن ارتش را "ظهور می‌کنند و حتی در مردم شماره ۲۳ با تیترو درشت مینویسد "حق با رئیس ستاد است" و سپس به تائید سخنان تیمسار سر لشکر فریدمی پرداخته که گفته "وظیفه ارتش با بدعت‌های از مرزهای کشور باشد و ارتش باید خلقی و مردمی یا دموکراتیک.... و این درست در زمانی است که

اخبار برگزاری روز اول ماه مه در شهرستانها همدان

هواداران سازمان در همدان مناسبت روز جهانی کارگری را هیماشی برگزار کردند. در این راهیماشی غیرمدرسه و غیردانشگاهی و شهیدها را دیو همدان نیز تسبیح دستجات حزب الله و حمله به صف نظامی هرکندگان، صدها تن از هواداران سازمان شرکت نمودند و روزا تحاد و همبستگی جهان کارگران را گرامی داشتند.

این راهیماشی با تجمع در اول خیا بان شهدا آغاز و درگاه کمر بستگی ختم گردید. در پایان راهیماشی قطعه‌ها را هیماشی خوانده شد.

آمل

روز پنجشنبه ساعت ۹/۵ صبح صدها تن از مردم آمل بدعوت هواداران سازمان مناسبت روز جهانی کارگری را در یک راهیماشی شرکت کردند. این مراسم که با استقبال مردم شهر و بیرون شهر، بدون درگیری یا نیافت. راهیماشی را نیز از طریق خیابانها و اطراف شهر یک ساعت پس از آغاز راهیماشی با خواندن قطعه‌ها متفرق شدند. در این قطعه‌ها منضم تاکید بر رهبری طبقه کارگر و معنای آنها را ضامن می‌بینیم که این مقررات نیز هرگز جدا از تلاش هیئت حاکمه برای بازسازی سیستم سرمایه داری و جدا از قوانین کل سیستم نبوده و نیستند و چنانکه دیدیم گرچه در ظاهر ممکن است چهره‌ای مترقی یابند، لیکن اگر ما یک آنرا خراش دهیم، همان مقررات قدیمی از پشت آن هویسند میگردند و حرکت جدید وزارت بازرگانی هم بیان کل نزدمداران رژیم ستاد راه حفظ و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بانول نمید و مقرر دروغ و فریب زحمتکشان میباشند و مقرر آنان نیز تنها جدید نیست که حاصل کار ۵۵ ساله سلطنت بیلولی و دولت بازرگان و شورای انقلاب است و آنچه قبیل و قال و مصالحه را در سب و تلویزیونی و مطبوعاتی، همه در حبس رسیدن به خواست حضرات عسی جسمی بوده و خواهی بود و در یک کلام و سرحدید میگویند همان آتش خوردست سخت در و بر و بازرگان را با افزودن کمی ادویه، بعنوان غدائی جدید و لذیذ به خورد زحمتکشان بدهند.

ارتش به کشتار خلق کرد و به خون کشیدن خلق ترکمن مشغول است. "حزب توده" صادق خلخالی این جلاد خلق ترکمن و کرد، این قاتل دیوانه و این دژخیم دهها انقلابی را مورد لطف قرار میدهد و اعلام میدارد که در هر نقطه‌ای که آیت الله صادق خلخالی کاندیدا شد به ایشان رای خواهد داد (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ۵۸/۵/۹) البته این مساله در جایی که "کاندیدای مبارز" حزب" مسئول سازمان ایالتی "حزب توده" ایران در اصفهان ساواک و آ. ب در می‌آید بنا بدزیا دهم عجیب نباشد. حتی در این مورد هم حزب صادق نیست حزب توده که در معرفی نامه غلامرضا روحانی شهرداری مینویسد: "کارگر مبارز و وفادار به آرمان طبقه کار، رفیق غلامرضا شهرکی، از مسئولین سابق سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان... و فاداری به آرمانهای طبقه کارگر و استمرار مبارزه برای تحقق اهداف حزب توده ایران... زرفیق روحانی شخصیتی مورد اعتماد و قابل احترام برای همه زحمتکشان ساخته است (مردم شماره ۴۵) پس از افشای مدارک ساواک وی اعلام میکند "اینکه ساواک زده‌ای نتواند در صفوف حزبی که دهها سال در سخت ترین شرایط از جمله سابقان دراز در شرایط مخفی مبارزه کرده و تازه فعالیت علنی خود را آغاز نموده و رخنه کند جای شکفتی نیست" (دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مرداد ۵۸)

بهر حال "حزب توده" پشتک زسان به پیش می‌رود، سر به آستان قدرت‌ستداری می‌ساید و توده‌ها را در این راه قربانی می‌سازد. "حزب" این سیاست خود را پس از سقوط دولت بازرگان نیز ادامه میدهد

ادامه دارد

مقررات صادرات و واردات وزارت...

بقیه از صفحه ۸

بازاریا به پیدا کند و طبقا "قیمت‌ش با لارود دولت حامی مستضعفان تحمل نخواهد کرد! و خود اقدام به ورود آن کالا می‌مبوع الورد می‌کنند تا بازاریا به بشکند!

و درست همین گونه است جاسارو جنجال حول مسئله فراهم شدن تسهیلات برای تهیه مواد اولیه کسبه روزنامه جمهوری اسلامی مسسورخ ۱۳۶۰/۱/۱۵ آرایا تیترو درشت از قبول معاون وزیر بازرگانی به مردم اعلام میدارد. در همان مباحثه آقای معاون مدعی میشود که "ارتش بیبرای مهم!!" دیگر در مقررات واردات و صادرات امسال این است که..... برای تهیه مواد اولیه تسهیلاتی بوجود آورده ایم در صورتیکه در گذشته موضوع معکس بود. این کار برای تشویق تولید داخلی و در نتیجه برای رسیدن به خودکفائی در کشور است.

اما بعکس گفته‌وی لطف کنسبات مقررات سال ۶۰ هیچگونه تغییر در

رابطه با تنزل سود بازرگانی و غیره در مواد آلیومینوئیدی، آنزیم ها، مواد پلاستیک مصنوعی، کائوچو طبیعی و مصنوعی، شبه کائوچو، پوست، چرم مواد اولیه کاغذ سازی، محصولات گوناگون صنایع شیمیائی، شیشه و مصنوعات آن نخی، نساجی، محصولات شیمیائی غیر آلی..... داده نشده است و به همین گونه است در رابطه با غلات، میوه های تازه و غیره.

لیکن آنچه که روزنامه‌ها وابسته از قول وزیر نقل کرده و بزگش می‌کنند اقلامی است چون قطعات منفصله موتورهای غیر بنزینی و قطعات کشتاورزی که توسط بنگاه توسعه کشتاورزی (وابسته به وزارت کشاورزی) و یا دوکهای ریستدگی مورد استفاده کارخانجات ریستدگی، که دولتی هستند. و اعلام این مطلب صرفا "به دلیل عوامفریبی بوده است چرا که طبق تصویب نامه هیئت وزیران مسورخ ۵۹/۸/۵ کلیه کالاهای مربوط به وزارتخانه ها، موسسات و شرکت‌های دولتی، ارتش، سپاه، جهاد سازندگی و..... از مصافقت حقوق کمکی و غیره برخوردارند بنا بر این دیکر لزومی به تکرار آن بشود دیگر نبوده مسور عوامفریبی!

سوی همد این مسائل، ایجاد مسوومت برای جیدکالایا مسور

گزیده‌های از: اعلامیه‌های شهرستانها

خرم آباد

رژیم جمهوری اسلامی همچون دیگر رژیم‌های ضدانقلابی عملاً "سان داده است که به تنهایی از مبارزات سازمانهای انقلابی بلکه حتی از نام شهدای آنان بیروخت و هراس عظیمی در دل دارد. اقدام ضدانقلابی هاشمی رفسنجانی برای تغییر نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی که در سفرا خورشید به لرستان عزت گرفت گویای این واقعیت است. درخششهایی از اعلامیه‌های سازمان در خرم آباد که در این رابطه منتشر شده آمده است:

"سفرا خورشید رفسنجانی ... به آنها مورد استقبال مردم خرم آباد و سایر شهرها به اشکال مختلف سفروا از خرم آباد و سایر شهرها یکی از دستاوردهای این سفر برای نوده‌ها تغییر نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی بود. عکس العمل مردم در مقابل این عمل ضدانقلابی با این تارک اندیسان نشان داد که نام انقلابیون بزرگی همچون دکتر اعظمی همیشه در قلب زحمتکشان رنده و جاودان است ... وقتی مسئولین با صوف فرشته و عزم آهنین بوده‌ها رو برو گردیدند هراسناک از آواچ گیری مبارزات آنان تن به عقب نشینی مفتحانه‌ای دادند."

"... حرکت عتبات لرستان بخصوص ایل برآوند با جنبشهای شرکت وسیع نوده‌های زحمتکشان در جلواتاننداری جهت اعتراض به این عمل ضدانقلابی و راهیما بی آنان بطرف بیمارستان و سپس نصب نام دکتر سر سردر بیمارستان، نمونه‌ای از اتحاد و همبستگی نوده‌ها و عزم آهنین آنان جهت مقابله با حرکت‌های سرکوبگرانه و ضددموکراتیک مسئولین جمهوری اسلامی بود."

آمل

بدیال حمله پاداران جمهوری اسلامی به هواداران مجاهدین خلق در آمل که در تاریخ اول اردیبهشت صورت گرفت، هواداران سازمان در این شهر با انتشار دو اعلامیه ضمن افشای سیاست‌های ضددموکراتیک و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، مردم مبارز آمل را به حمایت از نیروهای انقلابی فراخوانده‌اند. رفقا در آن کیدبدر ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی در مقابل تهاجمات وحشیانه رژیم میگویند: "آنگاه در مقابل یورش وحشیانه اوباشان رژیم جمهوری اسلامی، تنها اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و حمایت همه حاشه مردم مبارز است که میتواند من حفظ دستاوردهای قیام و آزادی‌های دموکراتیک باشد."

بابلسر

انتشار "سی سی لیک"
نشریه هواداران سازمان در بابلسر

لزوم کنترل صید توسط شورای صیادان

هواداران سازمان در بابلسر نشریه‌ای بنام "سی سی لیک" منتشر کرده‌اند. دومین شماره این نشریه حاوی چند مقاله درباره مسائلی است که مربوط به سیاست‌های دولت میشود، یک شعر، یک گزارش کارگری از منطقه و نیز مقاله‌ای درباره لزوم کنترل صیادان توسط شوراهای صیادان. ضمن آرزوی موفقیت و پیروزی برای این رفقا و میدار ترقا، نشریه، حتی از مقاله مربوط به صیادان را در آنجا نقل میکنیم:

"یکی از مشکلاتی که این روزها صیادان با آن دست‌گیر شده‌اند، مساله سر رسیدن مهلت صید میباشد. در واقع دولت با مطرح کردن جلوگیری از صید، به فکر منافع سرمایه‌داران میباشد نه فکر وضعیت زندگی صیادان و با اینکه سالهای آینده نیز بتوانند ماهی صید شود ... از نظر دولت جمهوری اسلامی نجات نسل ماهی بیش از گرسنگی و حتی مرگ صیادان و خانواده‌هایشان ارزش دارد. (زادتی نسل ماهی را صیادان با تصور کوچک می‌زنند سرمایه‌داران با وسایل پیشرفته) از فضای بابلسر در بابلسر مقاله مینویسند:

"صیادان باید با تشکیل شوراهای خود در راه بدست آوردن این حقوق به مبارزه برخیزند و آنها را با بدستگیری کنترل صید رژیم جمهوری اسلامی و دیگر رژیم‌های مرتجع سرمایه‌داری - نشان دهند که زحمتکشان خود بخوبی در در خود را می‌شناسند و عاقبت علاج آنرا نیز خواهند یافت."

"مبارزه ضد امپریالیستی"
از حرف تا عمل
در اتوبوس شرکت واحد میرم ... در زحمتکشی که بنا بر گرفته خودش خانه‌اش در کتار رسیلوهای تهران قرار دارد، با ناراحتی میگفت "ما از دست اربابان دولت آسایش نداریم. روزها صدای فریادهای مرگ بر آمریکا بش گوشمان را کر میکند و شبها از صدای خالی کردن گندمهای آمریکایی در سیلوها حس خوابمان را حرام میکند."

شیوه‌های مشترک سرمایه‌داران در سرکوب زحمتکشان

جمهوری اسلامی
یکشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۰

● اظهارات فسر ماساچر
کرج
این صده که همه مستقر در تارکاتی تهران و شهرستانهای دیگر را داشتند با هشدارهای سازمان انقلابی مبارزه کردند و با وجودی و تطبیق بطور گسترده از آن اعلامیه دارند.

● اظهارات استاندار تهران
از طرفی در کنار بوی گندمی است که آب به تهران میرسد و اگر آبها به بیخ می‌ریزند که جریان آب را بهر لایح کند قسمت‌های از کناری در نزدیکی تهران از بین میرود.
تهران را در دست گرفتند

چند ماهی پیش در بخش "جنبش جهان‌نشی" خبری داشتیم مبنی بر اقدام انقلابی زحمتکشان آلونگ نشین برلین غربی در اشغال ساختمانهای خالی سرمایه‌داران و حمل و پلین فاشیست آلمان به این زحمتکشان دفاع.

هفته پیش خبر گزاریهایی جهان اخبار نظرات هزاران تن از جوانان مترقی ۱۸ شهر آلمان را در ریشتمانی از آلونگ نشین‌ها مخابره کردند. در مقابل این موج حمایت مردمی از خواست‌های زحمتکشان، گروه‌ها و احزاب فاشیستی و راستگرایان وابسته به سرمایه‌داران نیز به کمک نیروهای سرکوبگر پلیس شتافتند. از جمله "فرانسس ژوزف اشتراوس" عضو سابق حزب نازی و عضو فعلی حزب دمکرات مسیحی آلمان نیز و قبحا نه در تاناید سرکوب زحمتکشان توسط دولت اظهار داشت:

"آلونگ نشینها مرکز اقدامات تروریستی جدید هستند" می‌بینیم که چگونه این فاشیست کهنه‌کار سعی دارد سیاستهای سرکوبگرانه دولت امپریالیستی آلمان را تطبیق کرده و زحمتکشان را تروریست جلوه دهد. چنین صحنه‌هایی در گوشه و کنار جهان سرمایه‌داری هر روز تکرار می‌شود. ما هدیم که چگونه سرمایه‌داران جمهوری اسلامی در توجیه سرکوب زحمتکشان ساکن "گرمدره" و پیران کردن بیش از ۶۰ خانه مسکونی آنها، این زحمتکشان را "توطئه‌گستر" نامیدند. بریده‌های پروژنا به جمهوری اسلامی که در زیر کلیشه شده است به خوبی شایسته‌های ناگزیر سیاست‌های ضد خلقی را در اینسو و آنسو دنیای سرمایه‌داری نشان می‌دهد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

هیئت بررسی شکنجه میگوید: با وجود آنکه...

بقیه از صفحه ۱

دوم اینکه اوباکمال
و قاحت گفت: بر اساس بررسی های انجام شده شکنجه در ایران وجود ندارد. سوم اینکه افرار کردگه اگر هم شکنجه وجود داشته در ۶ ماه قبل بوده و چهارم اینکه: "مادر یاقوتی" مسائلی که در زندانهای ایران جریان دارد افتخار جمهوری اسلامی است. ششامی ادعان کرده که تاکنون "هیئت" به سه هزار و شصت و بیست و یک پرونده شکایت در باره شکنجه رسیدگی کرده است. بدیهی است که این پروندهها بجز مواردی است که بطور اتفاقی در زندانهای که هیئت بازدید کرده، زندانیان به "هیئت" شکایت کرده اند و این جز آنهایی است که تاکنون رسیدگی نگردیده اند! ماهمین ۲۶۲۰ پرونده را در نظر می گیریم. آیا تشکیل ۲۶۲ - پرونده شکایت از اعمال شکنجه توسط ما مورین دولت جمهوری اسلامی برای مدت دو سال حکومت انگ آوریست. ممکن است ایشان ادعا کنند همه این شکایات کاذب محض بوده است که در اینصورت این سؤال پیش می آید آیا کسی در جمهوری اسلامی جرئت میکنند بدون ترس از مجازات شکایتی کند که مبتنی بر دروغ بوده و اساس و پایه نداشته باشد؟! نکند بشارتی هم میخواهد بگوید این سه هزار و شصت و بیست شکایت هم شکایتهایی بوده که تا کما بنا ز خودشان یا از رفقاییشان شکایت کرده اند یعنی خودشان، خودشان را شکنجه کرده اند؟! مسئله دیگری است او گفته است برای ایران شکنجه وجود ندارد. اما بلافاصله دم خروس از زیر قیاس پیدایش میشود و وقتی که میگوید "اگر هم بوده میزبوت به شماه قبل بوده است" این سخن بشارتی حاوی دو نکته است: از یک طرف میخواهد بگوید از هگا میک (شماه پیش هیئت رسیدگی به شکنجه تشکیل شد از ترس ما شکنجه ها قطع شده است و از طرف دیگر اقرار میکند تا شماه قبل یعنی درست تا پیش از تشکیل "هیئت" شکنجه وجود داشته است. ما سئوال میکنیم مگر علت تشکیل هیئت بررسی شکنجه چه بود؟ مگر نه اینکه پس از آنکه کوس رسوائی اعمال شکنجه را بر سر هر کوی و بار از زردن دوپس از افتخارگرهای نیروهای انقلابی، بنی صدر در روز - عاشورا (اوایل آبانماه) در میدان آزادی ساین امر اشاره کرد، پس از آن هیئت رسیدگی با شرکتجه بدستور آیت الله خمینی تشکیل شد. پس وظیفه هیئت بررسی هم همین بوده که به اعمال شکنجه تا آن موقع رسیدگی کند

به درددل قربانیان شکنجه توجه کرده موارد شکنجه را مشخص کند و اعلام کند که مردم معرفی کنند! و بالاخره با مجازات این عاملین از تکرار شکنجه جلوگیری شود! اما آقای بشارتی و سایر همسالگانی که پیش چه کردند؟ آنها از همان ابتدا وقتی اسم هیئت خود را "هیئت رسیدگی به شایعه شکنجه" گذاشتند "بی طرفی" خود را نشان دادند و پس از آنهم در هر مصاحبه ای که میکردند به توجیه شکنجه نسبت عنوان "حدرعی" برداخته و شکنجه گران را تطهیر کردند. ما از همان استاد در کار ۹۱ نوشتیم: "ما این هیئت سهجگه سی طرف نبوده و اکثر "طرفدار حزب جمهوری اسلامی مستند حجتی عصری نظیر بشارتی در آن شرکت دارد که استاد همکاری وی با ساواک قبلا" از جانب نیروهای انقلابی افشاء شده است! (و اخیرا" اساد بیشتری افشاء گردیده) و در نتیجه مسلما "عملکرد این هیئت و نتایج بررسی آن نمیتواند مورد اعتنا دخی باشد". و همین حالاهم که ادعان کرده اند تا شماه پیش شکنجه اعمال میشده، از معرفی عاملین شکنجه و مجازات آن خودداری می کنند! آری بشارتی نه تنها مسئله شکنجه را ما ست ما می میکند بلکه در کمال وقاحت میگوید: "ما در یاقوتی مسائلی که در زندانهای ایران دارد افتخار جمهوری اسلامی است!" ما در مقالات گزارشات متعدد و همچنین نیروهای انقلابی، بکرات، از جریاناتی که در زندانها میگردد برده بزدانیم: شلاق زدن زندانیان سراسی، ضرب و شتم زندانی توسط ما مورین زندان و توسط گروه ضربتی که بدست کچوشی رئیس زندان اوین توسط اوباشان در زندان تشکیل شده و هر چند گاه یکبار بجان زندانیان بخصوص زندانیان می افتد، شکنجه روحی زندانیان، بی خوابی دادن به زندانی، زدن دست و قیاسی، آویختن از سقف، ریختن ادرار بر سر زندانی، هم سلول کردن زندانیان سیاسی زن بازتازان بدکاره و مردان مست، بوجد آوردن صحنه های اعدام در محوطه زندان، تجاوز به زنان و مردان، سوزاندن با آتش سیگار کردن موی سر صورت و تراشیدن موی سر با تیغ کند، انداختن زندانیان سیاسی با قانچا قچیان خیانتکاران، ساواکها و کودتا جیان و اعمال انواع واقسام شکنجه های روحی، توهین، هتک حرمت بستن در سلولها، عدم تامین جانی، در اختیار نگذاشتن وسائل بهداشتی در اختیار زندانیان که این امر موجب مبتلا شدن زندانیان به انواع بیماریهای گوناگون پوستی و عفونی شده است. حتی خانواده زندانیان سیاسی از ضرب و جرح مصون نمانده اند. بله آقای بشارتی! اینها هستند "جریاناتی" که در زندانها میگردد و با افتخار جمهوری اسلامی است؟! "جریاناتی" که بارها و بارها در

تهران، بندر عباس، رشت، مازندران و..... اعتصاب غذای زندانیان سیاسی را موجب شده و زندانیان زن در زندان اوین از تاریخ ۱۰ فروردین بهمین دلیل دست به اعتصاب غذا زدند. مثلی است که میگویند به کار راوروبدهی طلبکار میشود. چیزی نماینده است که هیئت بررسی شکنجه بخواد شکنجه گران کمیتهها و سپاه پاسداران و بازجویان زندان و عناضریسیج در تهران و شهرستانها مورد تشویق هم قرار گیرند. و یا شکنجه گران معروفی چون "سید علی" در کمیته میدان خراسان و بازجویان زندان ها و بسکه شکنجه گران چون کچوشی رئیس زندان اوین و لاجوردی دادستان انقلاب تهران که خود در ضرب و جرح و توهین و فحاشی به زندانیان شهره خاص و عام هستند جایزه هم بدهند! البته اظهار نظر بشارتی و اعلام نتایج "تحقیقات" هیئت بررسی شکنجه برای ما تعجب آور نبود ما از همان بدو تشکیل هیئت چنین وضعی را پیش بینی میکردیم وقتی چند ماه پیش در کار ۹۹ نوشتیم: "برای مردم جالب است رژیم که متهم به اعمال شکنجه است کمیسیون رسیدگی به اعمال شکنجه خود را تشکیل میدهد و اعضای این کمیسیون را از میان سردمداران خودش انتخاب کند!! این مثل اینست که از متهم به قتل بخواهم بعنوان دادستان علیه خودش مدرک جمع آوری کرده و ادعا نامه ما در کند!" و در رابطه با نتایج بررسی هیئت با توجه به عملکرد این جمهوری اسلامی در طرف دو سال گذشته نوشتیم: "وقتی سیستم "عدالت" جمهوری اسلامی بر هر می استوار باشد که ما مورین دستگیری و بازجویی آن جانی چون ما شاء الله قصاب ها و کرمی بوده و حاکم شرع آن آدمکشانی نظیر خلیفای کما و فهمها باشند و زندانیان آن در خیما نی چون لاجوردی ها باشند تا وقت پرواضح است که رئیس هیئت بررسی شکنجه آنها باید امثال بشارتی ها (با آن سوابق درخشان!) باشند که توجیه گردنکشی و تطهیر کنند شکنجه گران باشند". و اکنون با اعلام نتایج بررسی هیئت، توده ها می بینند که ما تا چه حد در قضاوت خود محق بودیم. تا اینجا مربوط میشده جناح حزب جمهوری اسلامی که تمام اهرمهای قدرت را در دست خود متمرکز کرده است. اما بنیستیم آقای بنی صدر مدعی آزادیخواهی و مخالف اعمال شکنجه! در این باره چه میگوید: آیا ایشان هم معتقد شده است که مسئله شکنجه شایعه ای بیش نبوده است؟ و حرفهای که او در میدان آزادی درباره شکنجه زد و در این باره داد سخن داد حرف مفت بوده است؟! مگر او نبود که توسط دفتر ریاست جمهوری پرونده ای مشتمل بر بیش از شصت مورد شکنجه را برای هیئت فرستاد. آیا ایشان هم

بقیه در صفحه ۱۸

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد

چاقودسته‌اش رانمی برد!

کمکهای مالی دریافت شده

چون ارسال بیلبهای بیون کد، امور مالی سازمان را با مشکل مواجه ساخته است، لذا از همه رفقا و همکاران می‌خواهیم که کمکهای مالی خود را تا زمانیکه یک عدد سه رقمی و یک حرف مشخص نمایند و از ارسال پول بدو نکند خود اری نمایند. (ا مور مالی سازمان)

۶۵	ه	۵۱۲۳	۳۲۴۷	الف	۲۰۲۵
۲۹۰۵	۲۷۰۰	۴۰۰۰	۱۰۱۲۵	ب	۱۳۷۷
۳۰۰	۱۲۰۰	۱۲۳۹۱	۱۱۰۳	ج	۶۵۵۵
۱۸۰۰	۱۳۱۵	۳۰۸۱	۶۲۲	د	۱۱۱۱
۲۳۱۳	ی	۱۶۷۱	۳۱۸	ه	۱۰۰۰
۱۰۰۵۲	۵۰۹۸	۱۰۵۵۵	۴۱۸	ز	۱۰۰۰
۱۲۱۷	ن	۱۹۱۶	۱۱۵۳	ح	۲۲۰۰
۲۲۲۷	بدون کد	۱۶۴۲	۱۲۴۵	ط	۶۲۸
۱۰۲۷	۱۰۰۴۸	۱۶۴۲	۱۱۵۳	ع	۵۲۹۴
			۱۲۴۵	س	۱۰۰۰
			۱۱۹۵	ش	۱۱۱۱
			۲۱۵۶	ج	۱۱۱۱
			۵۱۱	ز	۱۵۱۲
			۲۳۰۰	ق	۱۰۰۰
			۱۱۵۲	ک	۵۵۵
			۴۹۹۹	ب	۲۳۲۳
			۱۰۵۵۵	ز	۱۰۱۲۳
			۱۵۵۵	ز	۲۳۲۳
			۵۰۰۰	ز	۲۳۲۳
			۲۳۲۳	ز	۱۱۰۰
			۲۴۰۱	ز	۶۱۰۵
			۵۵۵	ز	۱۱۰۰
			۱۰۳۶	ز	۱۲۵
			۴۴۴	ز	۲۳۲۳
			۲۷۶۶	ز	۲۳۲۳
			۵۱۱۱	ز	۲۳۲۳
			۶۰۰	ز	۶۱۰۵
			۱۰۸۱	ز	۱۱۰۰
			۲۵۶۷	ز	۲۳۲۳
			۳۳۰۰	ز	۲۳۲۳
			۶۵۰	ز	۹۰۰
			۵۱۱	ز	۱۰۱۸
			۶۰۱	ز	۶۰۱
			۲۴۰۰	ز	۳۱۰۰
			۱۴۰۰	ز	۱۰۱۱
			۲۱۲۳	ز	۱۲۰۰
			۲۱۰۱	ز	۲۱۰۰
			۲۰۷	ز	۱۱۱۱
			۵۱۴۰	ز	۱۰۴۴۴
			۳۹۹۹	ز	۹۲۹۹۹
			۱۷۱۶۱	ز	۷۰۰
			۱۲۲۵	ز	۵۰۵۵
			۵۰۰	ز	۱۱۱۱
			۱۸۹۶	ز	۳۲۸۸
			۵۰۰۷	ز	۱۱۲۳
			۶۰۵۵	ز	۶۲۸
			۱۰۱۸۴	ز	۵۴۰۰
			۱۰۲۲۲	ز	۵۲۹۴
			۲۱۰۰	ز	۱۰۰۰
			۱۵۰۰	ز	۱۲۲۱
			۲۹۳	ز	۱۱۱۱
			۱۵۰	ز	۲۷۷۷
			الف ۲۳	ز	

در جلسه حکمیت برای حل و فصل مراعات جناحین خاکمه، از بزرگان هم برای مطالعه دعوت شد؟ دعوی اینان اما "برسر آن است که سرمایه‌مکتبی بر سرمایه تجاری غالب باشد و سرمایه تجاری به کمکتک ولایت فقیه سرمایه صنعتی را زیر نفوذ خود داشته باشد.

حالا که در برابر چشمان از حیرت‌گشاده اپورتونیت‌ها روزگامه میزان و مدیسر مسئول آن "آزاد شد، و سخن جینی اپورتونیت نزد "برادران" مکتبی اثر نکرد، باز هم ثابت می‌شود که چاقودسته‌اش رانمی‌برد! و بالاخره باز هم ثابت شد که مهندسین بزرگان این رشد پیوسته است بزرگی بورژوازی، چقدر از اپورتونیت‌های جوان ماکه تا شیا نه به آب و آتش این بازیدست می‌زنند، فهمیده‌تر است!

همه به یاد دارند که مهندسین بزرگان در دوره "صدارت خود همواره از" تصدد مراکز قدرت" شکوه می‌کرد و یک بار سخنی به این مضمون گفت: من چاقوئی هستم که تیغه آن در دست من نیست، وقتی روزنامه میزان ارگان نهفت "آزادی" و سردیسیر آن توقیف شد، همه اپورتونیت‌ها شای که از تضاد لایحل دو جناح حکومت سخنان می‌گفتند، بشکن زدند و گفتند: دیدید با ز هم جناح انقلاب بر جناح صدا انقلاب ضربه زد! می‌بینید انقلاب را در تضعیف می‌شود! اما آنها که رددعواهای جناح حاکم را دنبال می‌کنند، گفتند درست است که بین دو جناح اختلاف عقیده‌های جدی، منجمله بر سر چگونگی سرکوب توده‌ها می‌روز کرده‌ها ما بالاخره چنان که با رها دیده‌ایم، چاقودسته‌اش رانمی‌برد! مگر ندیدید که

هیئت بررسی شکنجه میگوید: با وجود آنکه...

پرونده‌های "جعلی" و "قلابی" برای هیئت فرستادند؟! اگر اینطور نیست پس چوالب اوبه اعلام آقای بشارتی چه بوده است؟! آیا مردم از رئیس جمهوری نتواند تمیکنند آنهمه شماری که در باره "استقامت" و "پایداری" و... در مقابل زورمداران میدادند؟! آیا مردم اکنون به حرف مانعای هستند که در همان موقع در رابطه با طرح مسئله توسط بنی صدر در کار ۹۱ نوشتیم:

"آنها (بنی صدر و لیبرالها) همانقدر که بطور واقعی از دموکراسی و آزادی دفاع میکنند هم آنقدر نیز بطور واقعی مینویسند مخالف شکنجه زندانیان هستند!"

در ظرف ۲۷ ماهی که از تشکیل جمهوری اسلامی میگذرد توده‌ها بارها و بارها مانورها و سیاستهای عوام‌فریبانه این حکومت را تجربه کرده‌اند. مردم بارها ناظر تشکیل هیئت‌های بررسی به مسائل بوده‌اند که اقتضای آن جامعه را قرا گرفته بود. هیئت رسیدگی به انتقادات انتخابات، هیئت بررسی به دزدبهای انجام شده، در بنیاد مستضعفان، هیئت بررسی به مسئله چاقوداری و هیئت بررسی به... و بالاخره هیئت بررسی به "شایعه" شکنجه، و مدتی روی این مسائل چاروچغال راه انداخته‌اند و پس از آنکه مسئله تا اندازه‌ای فروکش کرده است با از نتایج بررسی هیئت "اطلا" خبری نشده است و یا آنکه نظیر هیئت بررسی شکنجه یا بن ترتیب سرور قضیه راهم آورده‌اند. رژیم بخیال خود با این روشها سر مردم را شیوه می‌مالد و از فشار توده‌ای علیه خود می‌کاهد

ولی غافل از آن است که هر قدر از این وقایع بیشتر تکرار شود چهره عوام فریبانه رژیم برای مردم آشکارتر می‌شود. روز بروز توهم توده‌ها از حزب جمهوری اسلامی در هم می‌ریزد و آنها بیش از پیش به ماهیت واقعی هر دو جناح هیئت حاکم پی می‌برند.

اما آنچه بر مردم و نیروهای آگاه مربوط می‌شود اینست که با پیدا فاشگری در باره شکنجه و وضع اسفبار زندانیان با کمال شدت ادامه یابد. با ایجاد فشار مختلف مردم ایران را در جریان این وقایع بگذاریم و مردم صدا می‌برند و دمکرات جهان را از آنچه در بنیادان میگذرد آگاه گردانیم.

و در عین حال با اتخاذ شیوه‌های صحیح مبارزه در مقابل اعمال شکنجه برآمده و با سازماندهی مقاومت مبارزان نقشه‌های مزدوران را نقش بر آب سازیم.

دژخیمان با پیدا شدن جنبش فدا می‌ریالیستی - دموکراتیک، قهرمانانی چون احمدزاده‌ها، جزئی‌ها، ظریفی‌ها، کتیرائی‌ها، بهروز دهنقانی‌ها (فدائیان خلق) و بدیع زادگان‌ها و رفاشیا (مجاهدین خلق) داشته است که حماسه مقاومت آنها در زیر شکنجه‌های آریامهری، دژخیمان شاه را بزبان آورد. رژیم جمهوری اسلامی با پیدا شدن آژسکنجه زندانیان طرفی نخواهد داشت و تفسیر شیوه‌های اولین امثال شکنجه به کوجه و خیابان زور و سپاه که هدفش ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است برایش سودی نیار نخواهد آورد. تنها نتیجه‌ای که از آن عایدش خواهد شد - خشم و نفرت بیش از پیش مبارزان و توده‌های خلق از چنین اعمال بوده و موجب آبرویی هر چه بیشتر رژیم در انظار افکار عمومی مردم مترقی جهان خواهد شد.

با آنگاه به نیروی توده‌ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

تروویسم رژیم جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم

بودند. اما رهبران جناح راست اکثریت که بنوده‌ها خاست کرده‌وارا ه‌سازش با صد انقلاب حاکم را برکریده‌اند، و اکنون بصورت ایزار بلا راده‌ای در دست حاکمیت درآمده‌اند. به نبرته‌ها حاکمیت پیردا خنه و حسن وانمود کردند که اصلاً "حاکمیت در این اقدام حمایت کارانه سهمی نداشته است. دولت جمهوری اسلامی که این گروه‌ها را وسیله‌ای برای سرکوب سازمان‌های انقلابی قرار داده است کوشیده که این اقدام جنبشکارانه خود را بحساب سازمان‌ها و محاهدین خلق و سازمان بیگاری بگذارد. اما این رژیم رسوا تر از آن است که بتواند اقدامات تروریستی خود را به نیروهای انقلابی نسبت دهد.

ما ضمن محکوم کردن عملیات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی، جناح راست اکثریت را نیز درگشتاروسرکوب مردم نوییست. حاکمیت سهم میدادیم.

روزجمعه ۱۱ اردیبهشت در میتینگ جناح راست اکثریت در میدان آزادی رنحکی‌سه میان جمعیت پیرتاب شد که طی آن چند نفر کشته و صدها تن زخمی شدند. این اقدامات جنبشکارانه تروریستی رژیم جمهوری اسلامی موسوم به حزب اللهی، در همان حال که خشم و نفرت مردم را نسبت به این اقدام حمایت کارانه برانگیخت و ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی را هرچه بیشترنقش داد. سیاستهای جناح راست اکثریت را نیز افشا کرد.

اکنون برره‌انسانان بدک آگ‌ها بیخوسی روشن است که با بندهای تروریست فالانسی موسوم به حزب الله توسط حزب جمهوری اسلامی، سیاه‌پاسدارا یوکمیته‌ها سازماندهی شده‌اند و منافعی مالی تغذیه‌ای این گروه‌ها نیز سرما به داران آنند. کسانی که تا رنحک رابه میتینگ پیرتاب کردند، و یا پیلاکاردها رابه آتش کشیدند، و شرکت کنندگان را مورد حمله قرار دادند، همین فالانسی‌ها حزب اللهی

گرامی باد خاطره رفیق شهید خسرو روزبه

درحرکه‌ها ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷، درحالیکه طنین فریاد "زنده باد کمونیسم..." لرزه براندام دژخیمان آریا مهری انداخته شد، کلوله‌های دژخیمان رژیم برینه‌سیر و قامت‌سرافراشته رفیق خسرو روزبه نشست و صفحات تاریخ مبارزات کارکسیران و زحمتکشان، با ردیکرا خون یکبی از درختان ترین جهره‌های انقلابی حسین کمونیستی میهمان کلکون کشت.

شهادت حماسه آفرین رفیق روزبه در آن سالهای ساه بغداد زکودنای ننگین ۲۸ مرداد ۲۲ ساله‌ای که هرمدای حق طلسم‌های درکلخونه میشد، چون توری تا بنده دردل ظلمت شب درخسید. در سالهائی که جیس پیدا میریالسنی - دموکراتیک بوده‌های زحمتکشان کشورمان توسط رژیم وابسته به امیرالیسم شاه سرکوب نده بود، درسالهائی که رهبران خاش، حزب بنوده چون بزدی‌ها، بهرامی‌ها، فریسی‌ها و ترمسی‌ها به خدمت دشمنان خلق درآمده بودند در سالهائی که رژیم ضد مردمی پهلوی با استفاده از خیانتها و انحرافات حزب بنوده، سعی دربی اعتبارکردن کمونیستها و کمونیسم را داشت، رفیق روزبه در سیدادگاهای رژیم شاه جلاد چون کوهی استوار ایستاد و از ما رکیسم - لیونیسم، علم رهائی طبقه کارگر، دفاع نمود. وی درقمیاتی از دفاعیات خود گفت: ".... اگر عاشق و شیفته رژیم سوسیالیسم هستیم با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آن را بر سایر رژیمها احسان کرده‌ام و محرک من در هر عملی که انجام داده‌ام آرزوی تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد دنیای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تامین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است."

رفیق روزبه در شرایطی که رهبران ایورسویست و خاش حزب بنوده چون کیا توری‌ها، طبری‌ها و جودت‌ها، بجای ایستادگی در برابر ارتجاع و دفاع از سازمان زحمتکشان، فرار را بر فرار ترجیح دادند، با ایمان به پیروزی طبقه کارگر به استقبال مرگ رفت و فخرمانانه آرامانها و غنا بدخود دفاع کرد. وی در آخرین سخن از دفاعیات خود گفت: "من سنگرمبارزه را ترک نکردم و اکنون نیز تمام عواقب آن را باروی کشاده تحمل میکنم."

نخبه در صفحه ۱۹

پیام زندانیان سیاسی به مناسبت اول ماه مه

جهت حفظ سرما به واسنما رکارگران داده می‌شود آزادی‌های دموکراتیک تحت جو تروریستی، تکسجه‌ها و اعدا م‌خیزندان خلق قرار گرفته‌ای بحال می‌شود زندانیهای رژیم از کارگران مبارز و پیوندکاران راه رهائی بیرون ربا انباشته شده است و می‌دو که حرکت کارگران و زحمتکشان در پیوند با سازمان جنبشهای فدائی خلق ایران و سایر نیروهای انقلابی به موحی توفنده و سرا سری تبدیل شده. یا سده های نوزاد حکومت را در هم بشکنند.

ما هواداران سازمان از درون زندان های رژیم مدخلی جمهوری اسلامی ضمن گرامیداشت این روز فرخنده به شما مبارک کارگران و سازمان حرکتی فدائی خلق تبریک گفته و بار دیگر تجدید عهد میکنیم که با عزمی راسخ در راه تحقق آرمانهای زحمتکشان کار برداشته و هر چه نیروان سر سوطنه‌های مرورانه حرب مسجوس جمهوری اسلامی و لیبرالها را خنثی نمائیم.

ما بود با امیرالیسم جهانی بسر کردیم امیرالیسم آمریکا و با بیکاه‌ها خلیس

در اهتر از با دیو حرم خونین سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در زندان اوس

رفقا! اول ماه مه عید بزرگ کارگران جهان را دور از کارگران و زحمتکشان میهمان و دور از شمار رفقای سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در زندانیهای رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی گرامی می‌داریم. اول ماه مه هر سال حجه روزی است که تمام کارگران جهان این روز را گرامی داشته و تجدید عهد و پیمان می‌کنند که برای محو ستم بر ما و امیرالیسم متحداً گام بردارند. در چنین روزی رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهد برای عوا مفریسی کارگران دست به بریائی می‌راند جهت بزرگداشت این روز زده و کارگران و زحمتکشان میهمان با یادبزرگ برچم ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی در مراسم ساخنگی شان شرکت نمایند و یاد غیر ایستادگی اگر بخوانند مراسم مستقل برپا کنند یا ضرب و شتم و زندان رژیم روبرو خواهند شد. در این شرایط برای مبارزات کارگران و زحمتکشان برای احقاق حقوق حقه خود به اوجی جسم‌گیر رسیده و هر روز اعتصابات و اعتراضات آنها با کلوله‌های پاسداران سرما به روبرو میگردد، جنگ ارتجاعی دودولت ایران و عراق آنها را زیر فشار طاقت فرسای کراسی و قحطی و آوارگی قرار داده. خلفهای تحت ستم میهمان بویژه خلق کردیه و حتی به ترین نحوی سرکوب می‌شوند. در سالی که از طرف حکومت وعده‌ها مثبت و فانون در

هوا داران سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در زندان اوس

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر